

ضمیمه شماره ۶۵

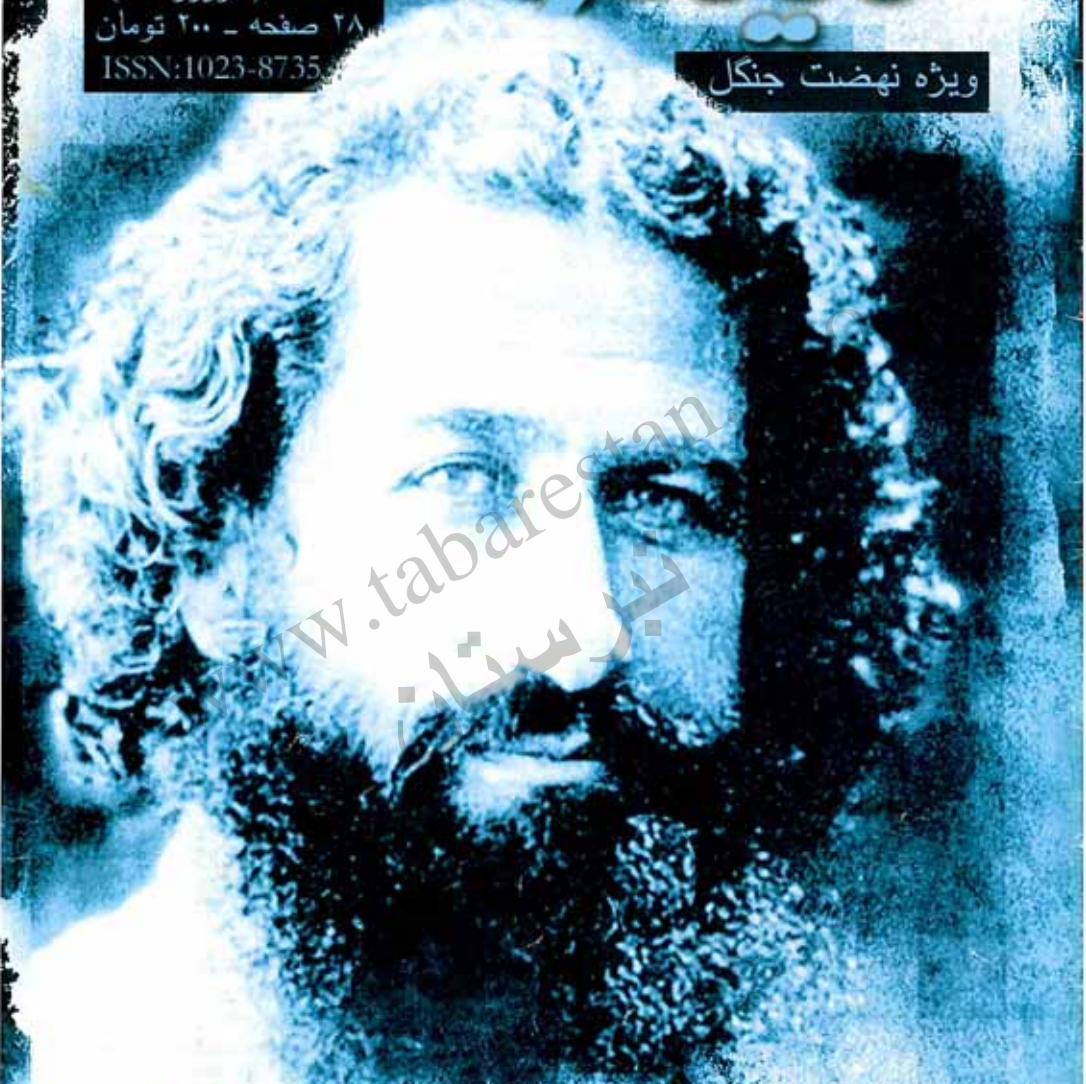
(نوروز ۸۱)

۲۸ صفحه - ۲۰۰ تومان

ISSN:1023-8735

آبیدار

ویژه نهضت جنگل



میرزا قهرمان فرهنگی - میرزا رهبری فسادناپذیر - آزادگان گنجام و بادی از
کائوری آلمانی - رایین هود شمال - دهقانان ، نهضت جنگل و مساله اشت نشا
ضرورت جمع آوری و بازشناسی اسناد نهضت جنگل - بنیاد پژوهشی فرهنگی
میرزا کریم جنگلی - ادبیات جنگلی - کتابشناسی نهضت جنگل و ...



گیله‌وا، ویژه نهضت جنگل

با همکاری

بنیاد پژوهشی - فرهنگی میرزا کوچک جنگلی



ضمیمه شماره ۶۵
(ویژه نهضت جنگل)

گیله‌وا

شماره استاندارد بین المللی ۱۰۲۳-۸۷۳۵

ماهنامه فرهنگی، هنری و پژوهشی
(گیلان شناسی)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

محمد تقی پور احمد جکتاجی

نشانی پستی

(برای ارسال نامه و مرسولات)

رشت : صندوق پستی ۴۱۷۴ - ۴۱۳۳۵

نشانی دفتر

(برای مراجعات مستقیم)

رشت : حاجی آباد (خیابان انقلاب)

ساختمان مهر، داخل پاساژ، طبقه دوم

تلفن ۲۲۲۰۹۸۹ - ۰۱۳۱

e-mail : gilava@andishesabz.com

امور فنی : کانون تبلیغاتی گیله‌وا

طرح و اجرای روی جلد: ماگان پور احمد جکتاجی

لیتوگرافی: همراهان ۳۲۲۹۰۰۳

چاپ و صحافی: توکل (صومعه سرا - تلفن ۲۸۱۰)

تیراژ: ۳۵۰۰ نسخه

آن چه می خوانید:

- ۳ صفحه ۳ میرزا، قهرمان فرهنگی / یادداشت سردبیر
 - ۴ میرزا، رهبری فسادناپذیر / پروفسور شاپور رواسانی
 - ۷ ضرورت جمع آوری و بازشناسی اسناد نهضت جنگل / سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی
 - ۸ رابین هود شمال / م. پ. جکتاجی
 - ۱۰ آزادگان گمنام و یادی از گائوک آلمانی / سید نوری کیافر
 - ۱۲ آرزوهای بزرگ و دست یافتنی / یادداشت مدیر مسئول
 - ۱۳ بنیادپژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی، نهادی نوپادر شناخت تاریخ معاصر گیلان
 - ۱۴ بیوگرافی اعضای هیأت مؤسس بنیادپژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی
 - ۱۷ دهقانان، نهضت جنگل و مسأله لشت نشا / هوشنگ عباسی
 - ۲۳ یادداشتی بر یک عکس تاریخی و چاپ نشده / محمود دهقان
 - ۲۵ تندیس دکتر حشمت جنگلی / محمود پورنصری نژاد
- شعرها: علی زیباکناری - تیمور گورگین - علی اکبر مرادیان - م. نصر

نهضت میرزا کوچک خان جنگلی

واولین جمهوری شورایی در ایران

دکتر شاپور رواسانی



قابل وصول از طریق خدمات پستی گیله‌وا از هر نقطه کشور

در ازای ارسال ۸۵۰ تومان تمبر با پست سفارشی

GILAVA

ISSN:1023-8735

A Gilaki-Persian language
Journal Related to the Field of
ON GILAN (North of Iran)

Director and editor:

M.P.JAKTAJI

P.O.BOX 41635- 4174

RASHT - IRAN

Tel: 0131 - 2220989

میرزا، قهرمان فرهنگی

همبستگی آنان می‌شود. قهرمان فرهنگی نه به آن معنی است که در فرهنگ «قهرمان» است بلکه در فرهنگ مردم «قهرمان» به باور رسیده است. قهرمان فرهنگی کسی است که به او می‌بالند، از او یاد می‌کنند. به او تکیه می‌کنند، از او تقلید می‌کنند و دوست دارند راه او را دنبال کنند. یک کلام به او دل بسته‌اند، و در مشکلات روزانه خود - حتی خواسته‌اند و می‌خواهند - برخیزد و به یاریشان بشتابد. شخصیت قهرمانان فرهنگی و «پله گیل»ها - و تحت شرایطی، گاهی، قهرمانان ملی هم - آن چنان به هم نزدیک است که در هم تنیده و روح ملتی را تسخیر کرده‌اند.

میرزا کوچک جنگلی یکی از این «پله گیل»ها و قهرمانان فرهنگی است. بی‌جهت نیست که در شعرها، شعورها و شعارها، گیلانی خود را فرزند او و نسل میرزا می‌داند. روح میرزا بعنوان یک قهرمان فرهنگی آن چنان در کلیت جامعه گیلانی - گیلکان و تالشان - دمیده است که امروزه هر گیلانی اگر بخواهد نامی برای کسب و پیشه خود، مؤسسه و شرکت خود، کوی و برزن خود بگذارد، نام میرزا را می‌گذارد.

«آن‌ها که چهره‌های برجسته تاریخ صد ساله گذشته گیلان را می‌شناسند، رسالت دارند آن چه را درباره این مردان بزرگ می‌دانند از ذهن و سینه خود خارج کنند و به فرزندان خود و نسل‌های آینده انتقال دهند. شرح کار و زندگی «پله گیل»های سرزمین مان شیرین‌ترین و پندآموزترین قصه‌های ماست که باید برای جوانان و نوجوانان بازگو شود.»

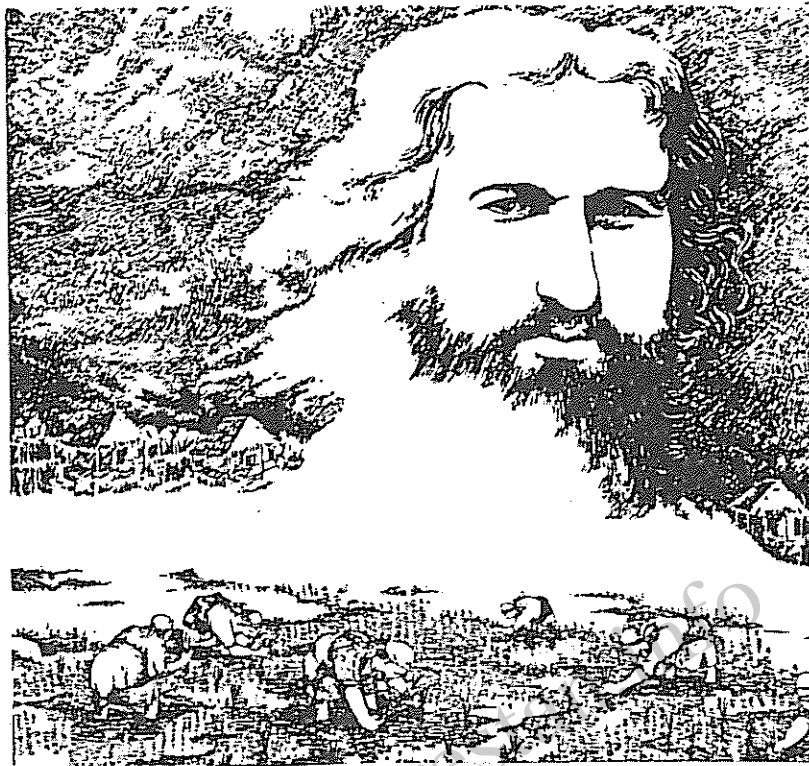
«بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی» مخصوصاً برای ثبت و ضبط همین حوادث و اتفاقات تاریخی معاصر پا به عرصه حیات گذاشته است.

شاید هر وقت لازم باشد مجبور باشم این اصطلاح را باز تکرار کنم. تکرار، موضوع را ملکه ذهن می‌کند بویژه که صحبت از بزرگی و خوبی و معرفت باشد نه خردی و شر و جهالت.

اصطلاحی در گیلکی داشتیم و داریم که می‌گوید فلانی «پله گیل» است یعنی خیلی بالا، خیلی والا و خیلی اعلاست. کسی است که به آن مرتبه از بزرگی و خوبی و معرفت رسیده که کرنش می‌طلبد. نه این که خود بخواند، مردم می‌خواهند! یعنی به جایی رسیده است که موجب فخر جامعه‌ای شده است. قومی و ملتی به آن می‌بالند.

«پله گیل»ها در وهله اول انسان‌های آرمان خواه، اخلاق گرا، منطقی و معتقد به اصل شرافت انسانی و عدالت اجتماعی هستند و پس آنگاه ادیب یا هنرمند، عالم یا اهل فن، عارف یا فیلسوف، نظامی و سیاستمدار و چه چه، یعنی تعهدشان مقدم بر تخصصشان است. در واقع «پله گیل»ها پیامبران و روشنفکران واقعی، صدیق و صمیمی جامعه خود هستند که پا از دایره اندیشه و سخن فراتر گذاشته وارد عمل شده‌اند و این عمل است که انسان را صاحب شوکت و آن عنوان که گفتیم چه و چه است می‌کند.

مردم‌شناسان - اما - اصطلاحی دیگر دارند که ترجمه فارسی آن قهرمان فرهنگی می‌شود. این قهرمان فرهنگی شخصیتی است تمثیلی که پایه‌های فرهنگی جامعه‌ای را گذاشته است طوری که مردم آن جامعه خود را در آئینه روح او می‌بینند و خویش را از اولاد و احفاد او می‌شمارند. هر چه به قدمت این اصطلاح نزدیک شویم، روح اسطوره‌ای و افسانه‌ای بیشتری می‌گیرد و هر چه با عصر خود حرکت کنیم، الگو و مدل فراگیری در پهنه فرهنگ مردم می‌شود. این جا هم روح فرزند پنداری نسبت به قهرمان فرهنگی با آب و رنگ روز آمد و جدید نمود پیدا می‌کند تا جایی که در خون و رگ و پی مردم آن جامعه ریشه می‌دواند و یکی از حلقه‌های زنجیر



میرزا، رهبری فساد ناپذیر

پروفسور شاپور رواسانی

حرمت مردم ایران بود.

پس از بی نتیجه ماندن طرح ترور، نمایندگان دولت انگلستان برای اجرای نقشه‌های خود از آنجا که از تهدید نتیجه‌ای نگرفته بودند به تطمیع پرداختند. این نوع عمل، یک شیوه قدیمی دول استعماری در مستمرات برای جلب مزدوران و کارگزاران است.

کلنل استوکس نماینده فرماندهی قوای انگلستان از طرف انگلستان به میرزا پیشنهاد کرد «چنانچه میرزا کوچک تصمیم بگیرد با بلشویک‌ها مخالفت ورزد و به دوستی انگلستان اعتماد نماید، دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر است با کمال میل حکومت جنگل را در ایران (و نه فقط در گیلان - ش - ر) به رسمیت بشناسد.»^۲

دولت استعماری انگلستان با این پیشنهاد در حقیقت و عمل در پی وصول به اهداف خود بود. زیرا با تشکیل دولت دست نشانده ضدشوروی در ایران می‌توانست نه فقط دولت شوروی را از نظر نظامی تضعیف و تهدید نماید،

حضور قوای مسلح جنگل به رهبری میرزا کوچک و یارانش مانع بزرگی در راه اجرای طرح‌های دولت انگلستان به شمار می‌رفت. فرماندهان قوای نظامی انگلستان که میرزا را مانع اصلی انجام مأموریت شان می‌دیدند درصدد ترور میرزا برآمدند. کاپیتان نوئل انگلیسی برای انجام این مأموریت اعزام شد، اما این توطئه به علت بیداری و آگاهی مدیران سازمانهای نظامی جنگل فاش شد. و کاپیتان نوئل از طرف مجاهدین جنگل بازداشت گردید.^۱

این سؤال را می‌توان طرح نمود که چرا از میان کسانی که در رهبری نهضت جنگل و سازمانهای نظامی آن شرکت داشتند استعمارگران انگلیسی میرزا را هدف تروریسم سازمان یافته خود قرار دادند؟

با توجهی به نظریات اجتماعی و روش و رفتار سیاسی میرزا می‌توان با اطمینان کامل پاسخ داد که علت اصلی این اقدام تروریستی یک دولت مدعی آزادیخواهی و دموکراسی، پایداری میرزا در دفاع از استقلال و آزادی ایران و شرف و

خروج قوای نظامی روسیه تزاری از شمال ایران پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، به تمامی قوای نظامی انگلستان که در شمال ایران مستقر بود این فرصت را داد که برای نفوذ به قفقاز که دارای معادن سرشار نفت و مؤسسات استخراج نفت بود به فعالیت‌های سیاسی و نظامی خود در ایران بیافزایند. اگر قوای نظامی انگلستان موفق به نفوذ و تصرف قفقاز و مهم‌ترین شهر آن باکو می‌شدند می‌توانستند نه فقط منابع نفت شمال ایران را در اختیار داشته باشند بلکه امکان می‌یافتند با حمایت از باقیمانده طرفداران تزار و ضدانقلابیون در روسیه، در سرنوشت انقلاب اکتبر و دولت جدید آن کشور به نفع مقاصد خود در آسیا دخالت نموده و به حضور خود در ایران هم ادامه دهند. اما برای وصول به این منظور که از اهداف استراتژیک بسیار مهم دولت انگلستان به شمار می‌رفت لازم بود قوای نظامی انگلستان به فرماندهی ژنرال دنسترویل از گیلان عبور نموده و از طریق بندر انزلی به باکو برسد.

بلکه موفق می شد سدی سیاسی و نظامی در برابر نفوذ دولت شوروی که در آن زمان این امکان را داشت که با تسلیح نظریات و تئوریهای عدالت خواهانه و ضد استعماری در ایران و میان مردم محروم مستعمرات در آسیا، پایگاه و جایگاه معتبر و مناسبی برای خود بدست آورد، ایجاد نماید. از این دو مهم تر دولت انگلستان می توانست با تشکیل دولت دست نشانده در ایران امکان سلطه بر منابع نفت قفقاز را بدست آورده و سلطه بر منابع نفت جنوب ایران را تثبیت نماید.

اما میرزا حاضر نبود بر سر استقلال و آزادی ایران و حق حیات و حرمت مردم محروم ایران معامله کند به این پیشنهاد پاسخ رد داد.

پاسخ میرزا و یارانش چنین بود: «درست است پیشنهاد شما صد درصد به نفع ماست لیکن جنگل معتقد نیست که در روش متخذه خویش تغییراتی بدهد وزیر بار چنین معامله ای برود، بنابراین قبول چنین پیشنهادی از ما ساخته نیست. برای من و همکارانم تشکیل یک حکومت مقتدری زیر نفوذ شما مقرون به افتخار نخواهد بود.»^۲

با توجه به شرایط سیاسی آن روز در ایران و شرایط بین المللی و قدرت انگلستان اگر میرزا می خواست می توانست به فرمانروایی و به سلطنت ایران دست یابد اما میرزا که به ایرانیست و اسلامیت حق طلبانه و عدالت خواهانه اعتقاد داشت و حاضر نبود به مردم محروم ایران خیانت کند، و خدمت و پاکی اخلاقی او اجازه چنین انحرافی را نمی داد، با صراحت از قبول چنین مقام و موقعیتی که می توانست برای بسیاری از افراد و سوسه انگیز باشد خودداری کرد.

با فاصله زمانی چند سالی، رضا خان سوادکوهی این پیشنهاد نمایندگان دولت انگلستان را پذیرفت، و پس از کودتای ۱۲۹۹ در اجرای سیاست انگلستان در ایران، به فرماندهی کل قوا و سلطنت رسید، و بدین ترتیب سلسله پهلوی پایه گذاری شد. با استقرار دولت نظامی پهلوی در ایران، انگلستان به اهداف اصلی خود که ساختن سدی در برابر شوروی و تثبیت سلطه بر منابع نفت جنوب ایران بود رسید.

خوانندگان می توانند دفاع پرافتخار و شجاعانه میرزا از شرافت و عزت مردم ایران را در مقایسه با نهضت شخص او و یاران جنگلی او با رفتار سفلگانی که برای دست یافتن به

■ **میرزا خواستار اخراج نیروهای بیگانه منجمله انگلستان از خاک ایران بود و بدین سبب نمی توانست با ادامه حضور قوای انگلستان در گیلان بعنوان بخشی از وطنش ایران که در صورت نفوذ و سلطه انگلستان به سرزمین قفقاز امری غیر قابل اجتناب می گردید موافقت نماید.**

میرزا خواستار اخراج نیروهای بیگانه منجمله انگلستان از خاک ایران بود و بدین سبب نمی توانست با ادامه حضور قوای انگلستان در گیلان بعنوان بخشی از وطنش ایران که در صورت نفوذ و سلطه انگلستان به سرزمین قفقاز امری غیر قابل اجتناب می گردید موافقت نماید.

سران جنگل حاضر بودند به قوای نظامی روسیه که خواستار بازگشت بودند اجازه حرکت از قزوین به انزلی و عزیمت به روسیه را بدهند چون به این ترتیب شمال ایران از حضور بخشی از نیروهای بیگانه آزاد می شد اما حاضر نبودند با دولت انگلستان وارد معامله شوند و به قشون انگلیس - با توجه به عواقب چنین امری - چنین اجازه های را بدهند.

صادق کوچکیور از یاران میرزا که شاهد عینی ملاقات نمایندگان قوای انگلستان با میرزا بود، در خاطرات خود می نویسد:

در وسط خیابان مهمانها با میرزا ملاقات و خود را معرفی کردند ژنرال دنسترویل و دو افسر دیگر به میرزا نزدیک شدند.

مذاکره آغاز شد. گفتند که همان طور که قبلاً

گفتم دولت بریتانیای کبیر تصمیم گرفته است سر و سامانی به وضع آشفته ایران بدهد. سلاطین قاجاریه لیاقت سلطنت و اداره کردن ایران را ندارند و به واسطه جنین و وضعی که دارند نمی توانند منویات ما را اجرا کنند از این جهت چون شخص وطن پرست و آزادیخواه هستی و علاقه به ترقی و تعالی وطن خود داری دولت بریتانیا میل دارد و حاضر است همه جور کمک به تو نماید به طرف تهران حرکت نمائید و تهران را فتح و سلطنت قاجار را خلع و رجال خائن را منکوب و زمام امور مملکت را به دست خود بگیری. میرزا جواب می دهد که علت قیام ما این است که دست اجنبی را کوتاه کنم حال شما می خواهید که آلت دست شما شوم و با کمک شما تهران را فتح و سلطنت قاجار را منقرض کنیم من و رفقای من هرگز تن به چنین کار ننگین نخواهیم داد.^۵

در جنگ منجیل، قوای دفاعی جنگل مورد هجوم مشترک قشون انگلستان و قشون روسیه که تحت نظر افسران ضد انقلاب بود قرار گرفت و پس از نبردهایی شدید رشت به تصرف قوای مهاجم خارجی درآمد، اما مقاومت مجاهدین جنگل به رهبری میرزا پایان نیافت و در برخوردهای مسلحانه در بسیاری از نقاط گیلان

خرده ریزهای سفره استعماری به مردم و به تاریخ ایران خیانت کردند مقایسه کند.

آیا می توان در برابر فساد ناپذیری و قدرت اخلاقی و ایمان میرزا و یارانش سر تعظیم و تکریم فرود نیارود؟

ژنرال دنسترویل فرمانده قوای نظامی انگلستان به نمایندگان خود دستور داده بود که اگر میرزا شرایط و تقاضای دولت انگلستان مبنی بر عبور قوای نظامی این کشور از گیلان به مقصد قفقاز را بپذیرد او (میرزا) حق خواهد داشت سیاست داخلی خود را در ایران تعقیب کند.^۴ اما با همین وعده ها هم نتوانست در پایداری میرزا از استقلال و آزادی ایران تزلزلی ایجاد کند.

■ **سران جنگل حاضر بودند به قوای نظامی روسیه که خواستار بازگشت بودند اجازه حرکت از قزوین به انزلی و عزیمت به روسیه را بدهند چون به این ترتیب شمال ایران از حضور بخشی از نیروهای بیگانه آزاد می شد.**

معین‌الرعیایا و خالو قربان و فرار احسان‌اله خان به شوروی حاضر به تسلیم و سازش نگردید و بالاخره در راه آرمان‌های مقدس و والای خود شهید شد.

میرزا در راهی قدم گذاشت که پیش از او بسیاری از رهبران نهضت‌های اجتماعی ضد ستم ایران، چه در دوران باستان و چه در دوران اسلامی قدم گذاشته بودند و پس از میرزا نیز کسانی که خواستار استقلال، آزادی ایران و نجات مردم محروم وطن ما از مظالم سیاسی و اعتقادی بودند قدم گذاشتند و جانبازی کردند.

راه فساد ناپذیران پر رهرو باد.

۱- فخرائی، ابراهیم - سردار جنگل - تهران ۱۳۴۶ ص ۱۱۳

۲- همانجا ص ۱۱۸

۳- همانجا ص ۱۱۸

۴- همانجا ص ۱۲۱

۵- کرچکچور، صادق - نهضت جنگل و اوضاع

فرهنگی، اجتماعی گیلان و قزوین (به کوشش سید

محمد تقی میرابوالقاسمی) رشت - نشر گیلکان،

۱۳۶۹، ص ۱۶-۱۵

۶- فخرائی... ص ۱۴۰

۷- فخرائی... ص ۱۶۱

۸- فخرائی... ص ۱۶۸



شود و پیشنهاد می‌کنند «... از ایران خارج شوید تا وقت تغییر کنید، در آنصورت ما حاضر هستیم در بین‌النهرین به شما پناه داده با شما آبرومندانه رفتار کنیم.»^۸

اما میرزا این پیشنهاد سازش و معامله را هم نپذیرفت و حاضر به ترک ایران و گیلان نشد.

میرزا پس از شکست نظامی جمهوری شورائی از قوای دولت مرکزی، خیانت

ادامه یافت. یک بار هم محل اقامت میرزا به وسیله هواپیماهای انگلیسی بمباران شد.^۶

پس از پایان جنگ (۱۹۱۸) دولت انگلستان کوشید با کمک یکی از مزدورانش در ایران به نام وثوق‌الدوله که به سمت نخست‌وزیری منصوب شده بود ایران را به صورت قانونی تحت سلطه کامل خود درآورد. (قرارداد ۱۹۱۹) اما برای وصول این مقصود می‌بایست در مرحله اول نهضت جنگل و رهبرانش از میان برداشته می‌شد. وثوق‌الدوله برای تطمیع میرزا و یارانش کوشش نمود با دادن قول قطعی به میرزا که بعد از گذاشتن اسلحه به زمین و تسلیم شدن به قوای دولت - فرمانروائی گیلان از طرف دولت به او واگذار خواهد شد نهضت جنگل را از میان بردارد.^۷

اما این بار نیز تطمیع‌ها و وعده‌های طلائی، تردیدی در میرزای فسادناپذیر بوجود نیاوردند. نمایندگان دولت انگلیس نیز با ارسال اتمام حجت و اولتیماتوم، دعوت برای تسلیم و اعلام لغو توافقی‌های قبلی کوشش نمودند میرزا و یارانش را و ادا به سازش و معامله نمایند، مجدداً برای از میان برداشتن میرزا به طرح نقشه و توطئه می‌پردازند که این بار نیز نقش برآب می‌شود. نمایندگان دولت انگلستان به میرزا نصیحت می‌کنند اگر حاضر به تسلیم نیست از ایران خارج

گیله‌وا

درخواست اشتراک ماهنامه گيله‌وا (یک ساله)

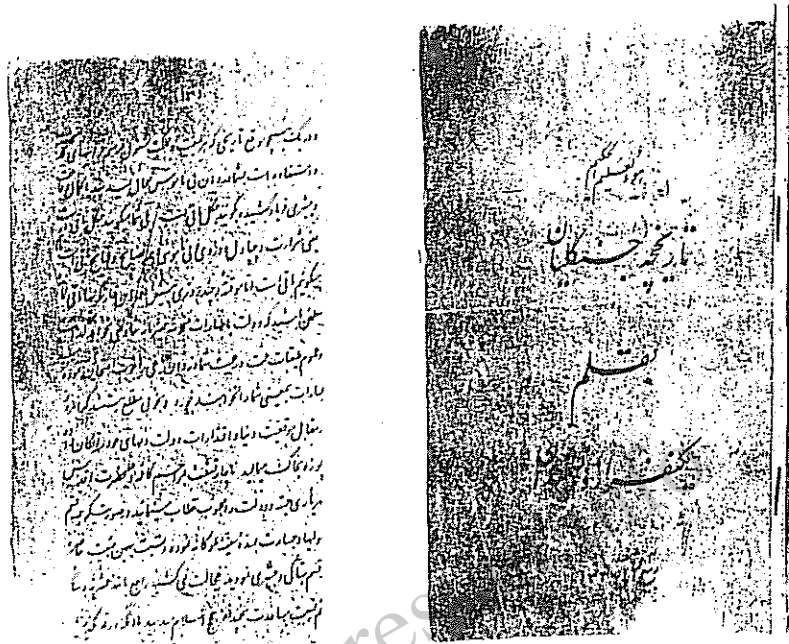
گیله‌وا، مجله فرهنگی، هنری و پژوهشی شمال ایران

به زبان‌های گیلکی و فارسی

نام..... نام خانوادگی.....
 سن..... شغل..... میزان تحصیلات.....
 نشانی: شهر..... خیابان.....
 کدپستی..... تلفن.....

(از شماره..... فرستاده شود)

لطفاً این فرم یا فتوکپی آن را پر کرده همراه فیش بانکی به مبلغ حق اشتراک مورد نظر به حساب جاری شماره (۸۸۸) بانک صادرات ایران، شعبه ۲۹۰۸ بادی‌الله رشت، به نام مدیر مجله یا گيله‌وا به نشانی (رشت - صندوق پستی ۴۱۷۴ - ۴۱۶۳۵) ارسال نمایید.
 ● داخل کشور ۳۰۰۰ تومان ● اروپا ۶۰۰۰ تومان ● آمریکا، کانادا، استرالیا و ژاپن ۷۰۰۰ ● حوزه خلیج فارس و جمهوری‌های همسایه ۵۰۰۰ تومان



ضرورت جمع آوری و بازشناسی اسناد نهضت جنگل

سید محمد تقی میرابوالقاسمی

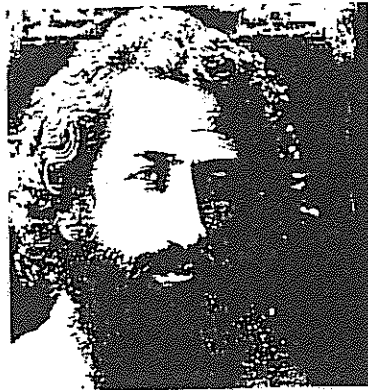
صفحه‌ای تاریخچه جنگلیان را که در حقیقت دشنامنامه گروهی از مالکان گیلانی علیه اتحاد اسلام و نهضت جنگل است می‌توان در کنار این دسته از اسناد قرار داد که در آن همه رهبران نهضت را معارض استقلال و آزادی ایران و دشمن حقوق اولیه انسانی نشان می‌دهد و می‌کوشد خواننده را نیز به این باور بکشانند که البته در تحلیل اسناد این دوران برای یک پژوهشگر تنها در شناخت سرشت طبقاتی گروه‌های کشیده شده به صحنه‌های سیاسی پیامهایی خواهد داشت که باید تفاوت‌های آن دو را در نظر گرفت.

از این رو پیشنهاد می‌کنم که ضمن ضرورت جمع آوری همه اسناد مربوط به تاریخ ایران و گیلان، بازشناسی منابع تحقیقی نهضت جنگل را مقدم داشته و از همه نیروهای آماده و علاقمند کمک بگیریم و این همان چیزیست که تعهد انجام آنرا نیز بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی به عهده گرفته است.

ارتباط نهضت با مسایل جهانی، بیشتر باقی مانده است که البته دسترسی به آن برای یک پژوهشگر ایرانی کار ساده‌ای نیست. بخصوص که این اسناد در آرشیو سرزمین‌های گوناگون نگاهداری می‌شود. تازه وقتی هم به اصل و یا ترجمه آن دست یابیم باید با حوصله و دقت بیشتری به آن بنگریم. هنوز چیزی در مورد اسناد جعلی و یا حذف و اضافه کردن نکاتی در متن و یا ترجمه آنها نمی‌گویم اما آنچه که تا این زمان به درون نوشته‌ها و کتاب‌ها و مجلات راه یافته است ما را ناگزیر به درنگ بیشتری می‌خواند که تا فرصت باقی است در نوشتن تاریخ نهضت اقدام سودمند و همه جانبه‌ای آغاز گردد که البته کاریست دشوار. ما از نوشته‌های تبلیغاتی مالکان و مخالفان جنگلی‌ها آگاهیم. نسبت‌های ناروا آسانترین و شایعترین جعلیاتی است که می‌توانند در پژوهشگران ایجاد تردید و انحراف نماید و در نهایت در نقد و تحلیل کار سیاسی و فرهنگی و... انقلابیون تأثیر منفی بر جای نهد. مثلاً رساله پانزده

بر اساس گزارش‌ها و اسناد محرمانه‌ای که در سال‌های اخیر به آن دست یافتیم، اعضای تشکیلات نظامی جنگلی‌ها را بیشتر از همه نیروی عظیم دهقانان سازمان می‌داد و در درجه دوم گروه‌های شغلی دیگر مانند زغال‌پزان و خشت مالان و کارگران کشاورز و پیشه‌وران کم سرمایه و بالاخره صاحبان عقاید مختلف را در کنارشان می‌بینیم که به مدت چهار سال و نیم زیر نظر تشکیلات اتحاد اسلام جمع شده بودند که به قول دکتر حشمت هدف واقعی همه آنها در این پیکار مردمی بیرون راندن بیگانه از ایران بوده است. متأسفانه اسناد این دوره طولانی درگیرودار حادثه‌های خواسته و ناخواسته پراکنده و غارت گردید و یا در آتش‌سوزی‌ها نابود شد و اینک باید بخش‌های باقیمانده آنرا در میان خانواده‌ها جستجو کرد که تا این زمان تلاش موفق محدودی انجام گرفته است.

اما از اسناد دوره دوم نهضت جنگل با همه کوتاهی زمان - کمتر از یکسال و نیم - به دلیل



رابین هود شمال

م. پ. جکتاجی

تمام تاریخ یک سوئه پهلوی میرزا و یارانش را در کتاب‌های درسی، یاغی و متجاسر و گردنکش معرفی می‌کرد و نسل‌هایی با آن خواننده‌ها بار آمدند کنار بگذاریم، بقیه تنها به دو دلیل یاد شده از میرزا و یارانش به بدی یاد می‌کنند. یا به مستندات و شواهد مکتوب کمتر از شنیده‌های سطحی و روایت افواهی بها می‌دهند یا بر اثر ردگیری و ریشه‌یابی به گذشته‌ای می‌رسند که یک پای آن ریشه، جوری درگیر نهضت شده و ضرر و زیانی دیده است.

باز یافت اسنادی در دم، ردّ و نفی حرکت میرزا و یارانش و اهداف نهضت جنگل نه فقط هیچ اشکالی ندارد که به عکس همه را در کنار هم می‌چیند تا مطابق شواهد علمی مورد نقد و بررسی قرار دهد. اگر جزوه مالکین گیلان که در نفی حرکت جنگل و ردّ شخص میرزا نوشته شده و از آغاز تا انجام آن فحش و هتاک است، در عوض بدون امضاء است و با این که در صفحه جلد آن عبارت «به قلم یکی از دانشمندان»^۱ اشاره شده اما رسم دانشمند نیست که فحشنامه بنگارد و اگر هم نگاشت پای آن باید شجاعانه امضاء بگذارد. این خود شیوه و روشی است که از منطق و استدلال به دور است و کذب موضوع را می‌رساند.

اخیراً کتابی به زبان سوئدی به دستم رسید^۲ که ترجمه عنوان آن می‌شود «پنج سال در ایران بعنوان افسر ژاندارمری»^۳ از «پی. نیسترام»^۴ که در سال ۱۹۲۵ در ۲۶۲ صفحه در استکهلم (پایتخت سوئد) چاپ شد و آن شرح خاطرات و سفرنامه مؤلف است هنگامی که به عنوان افسر ژاندارمری در ایران مأمور خدمت بود. نیسترام در سال‌های پایانی دوره قاجار از راه انزلی وارد ایران شد و تا زمان وزارت جنگ رضاخان در

در یکی دو تا از این سفرنامه‌ها از میرزا به عنوان رابین هود شمال نام برده شده است و میرزا را به صورت دزدی شجاع که از اعیان و اشراف و زمین‌داران پول می‌گیرد و میان فقرا و دهقانان تقسیم می‌کند تصویر کرده‌اند.

می‌دانیم رابین هود شخصیتی عیار صفت داشت و با تیولداران و ثروتمندان می‌ستیزید و پولی را که از آنها می‌گرفت میان نیازمندان یاران خود بخش می‌کرد. رابین هود در میان ملل اروپایی شهرتی افسانه‌ای دارد و از طریق ترجمه داستان‌ها و ساختن فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی اینک در تمامی دنیا شهره است.

اما چرا بیگانگان شأن میرزا را که یک نفر انقلابی، آزادی‌خواه، بیگانه ستیز و وطن‌دوست بود تا حد یک عیار و راهزن جوانمرد تنزل دادند حداقل از دو دلیل خارج نیست یا در حد یک راوی و گزارشگر عبوری فقط به شنیده‌ها اهمیت دادند و بسته به این که خبر را چه جور و از چه کس کسب کرده باشند عیناً منتقل کرده‌اند و یا این که پای منافع خود و کشورشان درگیر و دار واقع جنگل لنگ مانده بود.

می‌دانیم نهضت جنگل یک حرکت سیاسی استانی یا حتی کشوری نبود و با جنگ جهانی اول آمیخته و سرتاسر قفقاز و ترکستان تا هند را در برمی‌گرفت. اروپا که جای خود داشت. پس بدیهی است هر نظری نسبت به آن بسته به منافی بود که از آن انتظار می‌رفت.

امروزه نیز در اذهان برخی ایرانیان میرزا نه حتی در حد رابین هود که عیار و راهزنی جوانمرد بود، که به معنای مطلق دزد نام برده می‌شود بی آن‌که به عمق مسأله دقت داشته باشند و برای گفته‌های خود شاهد علمی بیاورند. اگر یک دوره

یکی از انواع منابع و مآخذ جالب و در عین حال ضد و نقیض در مورد نهضت جنگل و رهبر آن میرزا کوچک خان، سفرنامه‌ها هستند. سیاحان خارجی که به دلایل مختلف به ایران می‌آمدند یادداشت‌هایی را تحت عنوان خاطرات، سفرنامه، شرح مأموریت و راپرت سیاسی از خود بجای گذاشتند که منبع سیری ناپذیری برای تحقیقات ایرانشناسی - در این جا نهضت جنگل - می‌باشد. آن وقت‌ها به اقتضای این که گیلان یکی از مبادی اصلی ورودی به ایران بوده است، اغلب سیاحان از راه باکو وارد انزلی و رشت شده و بعد به تهران و مناطق مرکزی می‌رفتند و یا آن‌ها که از مرزهای جنوب و غرب وارد کشور شده بودند به هنگام خروج از راه رشت که به دروازه اروپا شهرت داشت خارج می‌شدند.

این سیاحان بسته به این که با چه هدف و منظوری وارد ایران شده باشند و از چه کشوری آمده باشند و زمان عبور یا اقامتشان در گیلان مقارن چه هنگام از خیزش جنگل بوده باشد، یادداشت‌هایی را در سفرنامه‌های خود بجای گذاشتند که از نظر مطالعاتی در خصوص نهضت جنگل بسیار حائز اهمیت است.

نگارنده زمانی به اقتضای پیشه کتابداری با این سفرنامه‌ها بسیار نزدیک شدم. سیاحانی که در فاصله سال‌های جنگ جهانی اول یا دوران انقلاب جنگل از گیلان عبور کردند اغلب به ثبت و ضبط گوشه‌هایی از وقایع جنگل اشاره کرده‌اند. خوشبختانه بیشتر این یادداشت‌ها، سیاسی، نظامی و تاریخی است و البته تعدادی هم به جنبه‌های اجتماعی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی توجه دارند. برخی نیز صرفاً گزارش دیده‌ها و شنیده‌هاست.

احمد کسمایی مرد شماره ۲ جنگل از مالکان عمده و بزرگ گیلان بود و هم او تمام ثروتش را در ابتدای کار جنگل در راه انقلاب و اهداف آن گذاشت و خرج کرد. حداقل در این عکس تاریخی راهزن و فتودال تنگ هم نشسته در حال رای زنی برای استقلال ایران هستند. هر چند که آقا جواد گل افزائی و محمد رسول گنجه‌ای بعدها اشتباهاتی مرتکب شدند و مورد محاکمه جنگلی‌ها قرار گرفتند اما هیچ یک دزدی نکردند.

پس بخشی از کار «بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی» شناخت اسناد و مدارکی است که در ذم و رد و نفی نهضت جنگل و رهبران آن نوشته شده. برای دستیابی به این اسناد و مدارک «بنیاد» دست یاری به سوی همه آگاهان و علاقمندان دراز می‌کند.



Bysk-persiska rövare inventerande en postsock.

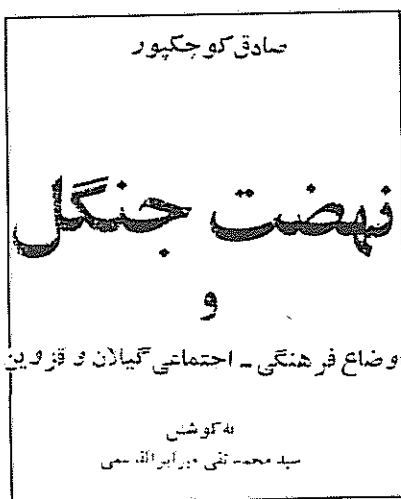
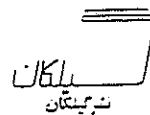
پانویس:

- ۱ - زنده یاد ابراهیم فخرایی نام نویسنده را «شیخ محمدباقر شریعت گیلانی» ذکر کرده است (سردار جنگل، ص ۴۵۳)
- ۲ - این کتاب به لطف دوست فاضل دکتر نعمت‌الله شهرستانی در اختیار نگارنده قرار گرفت.
- 3 - Fem Ar I Persien Som Gendarmofficer
- 4 - P. Nystrom



مدیر - آقا جواد گل افزائی - میرزا کوچک - حاجی احمد کسمایی - آقا محمد رسول گنجه‌ای. دو نفر جنگلی نیز در حال نگهبانی هستند که شناخته نیستند. همان طور که مرحوم فخرایی زیر عکس نوشته «جنگلی‌ها در حال تبادل نظراند». اگر آقای نسترام افسر ژاندارم سوئدی که در استخدام دولت مستبد و بیگانه‌پرست قاجار است تعمدی ندارد و واقعاً نمی‌داند که اینان دزد نیستند، دوست و دشمن میرزا و یارانش می‌دانند حداقل حاج

ایران بود. در صفحه ۲۵۷ کتاب عکسی از میرزا کوچک خان و تنی چند از یاران او آمده است که زیر آن به زبان سوئدی نوشته شده: «دزدهای روس و ایرانی یک محموله پستی را پس از دزدیدن کنترل و سهم می‌کنند». این عکس را خوب ملاحظه بفرمائید. همین عکس در صفحه ۶۶ کتاب سردار جنگل تألیف زنده یاد ابراهیم فخرایی (چاپ دوازدهم، ۱۳۶۸) چاپ شد. صاحبان عکس از راست به چپ عبارتند از: (آقا محمد اسماعیل



به مناسبت هفتادمین سالگرد شهادت
میرزا کوچک خان
و هفتاد و دومین سالگرد به دار کشیدگان
دکتر حشمت

خاطرات سیاسی - نظامی نایب صادق خان کوچکپور
(افسر تشکیلاتی جنگل)

را همراه اسناد منتشر نشده منتشر کرده است.

قابل وصول از طریق خدمات پستی گیله‌وا از هر نقطه کشور
در ازای ارسال ۱۳۵۰ تومان تمبر با پست سفارشی

کردن مجهول» .

برای معلوم کردن هر مجهول هیچ چیز شاخص‌تر و متقن‌تر از واقعیت نیست، بر این اساس باید تحقیقات بر لاشه واقعیات باشد نه بر فرضیات و اوهام، اگرچه هر واقعیتی، همهی حقیقت نیست اما هر واقعیتی بسیاری از حقایق را در خود دارد.

با این مقدمات توجه خود را به یاد فراموش شدگانی می‌افکنیم که فقط در ذهن خواص در جایگاه بلند خویش ایستاده‌اند.

می‌دانیم گیلان از دیرباز به لحاظ طبیعی و ویژگی‌های اقتصادی مورد توجه گروه‌ها و افراد غیر گیلک بوده است. کرد، ترک، طالقانی، قزوینی، یزدی، کاشی، همدانی، خراسانی جهت اشتغال و کار به علت طبیعت غنی و سرشار از نعمت خدادادی رو به سوی گیلان داشته‌اند به گونه‌ای که هم اکنون بخشی از گیلانیان از اخلاف این اسلاف هستند.

واقعیت ملموس این است که گیلان غیر از شالیزار پای گسترده و باغات و کشتزارهای وسیع چسبیده، از غلات و حبوبات و سبزیجات و فراورده‌های لبنی و دامی و دریایی و انواع دام و طیور به حد اشباع سرشار است. این موقعیت عالی و ممتاز اقتصادی موجب شد که گیلانی در طول تاریخ همیشه خودکفا و بدون احساس نیاز به دیگران به ساختن و پرداختن به امور هنری و فرهنگی مشغول گردد. راز بزرگ استقلال و اعراض و جلال گیلانیان در مقابل هجوم متجاوزان خارجی و گردنکشان داخلی در همین خصیصه نهفته است.

این بخش از ترکیب جمعیت به اضافه گرجی و روسی و ارمنی و یونانی و گرویدن اقلیت‌های مذهبی شیعه و سنی و کلیمی و مسیحی پایه رابطه‌ای عاطفی و مایه زایش فرهنگی شد که زود آشنائی و مهربانی و همبستگی از خصایص آن است و همین امر موجب شد که هرگز هیچ غیر بومی از اقامت و اسکان دایم در گیلان احساس غربت و بیگانگی نکند .

در جنبش مشروطیت و پس‌پسندیده اصیل و برجسته آن نهضت جنگل مردم گیلان بدون یک



آزادگان گمنام و یادی از گائوک آلمانی

سید نوری کیافر

با تمام این دانستنی‌ها، همه خردمندان در مورد جلال آل‌احمد در یک چیز-وحدت نظر دارند و آن روح جستجوگری و رویه کاوش وی در شناخت حقیقت و کشف فضیلت است .

واقعیت هم همین است زیرا اگر روح جستجو و تحقیق در جامع بشری نبود هرگز بشریت به این همه ارزش‌های معنوی و والا نمی‌رسید و در سکوی بلند افتخار جای نداشت. بزرگان خرد و اندیشه در مورد تحقیق تعریف‌های نغز و عمیقی گفته‌اند ولی کوتاه‌ترین تعریف برای بازتاب همه جنبه‌های آن این است که تحقیق یعنی: «معلوم

بی‌شک عقاید اجتماعی زنده یاد جلال آل‌احمد دارای موافقان و مخالفان بسیاری است زیرا او در روند زندگی کوتاه ولی پربارش به هردری وارد شد و به هر روزن و آشیانه‌ای سرکشید. به همین سبب گروهی از خردورزان اعتقاد دارند که او نتوانست به جایی برسد و تکیه گاهی برای خود و دیگران بیابد و بسازد ولی وقتی در مکه معظه در انبوه خلق قرار گرفت و در زمزمه خیل الله‌گویان که شتابان به سوی معبود می‌رفتند گم شد، احساس کرد «خسی در میقات است نه کسی در میعاد.»^۱

دلواپسی روانی جهت کسب آزادی در یک صف واحد به پیکار برخاستند و گیلک و ترک و کرد و فارس و آلمانی و اطریشی و عثمانی و روسی در یک جبهه واحد به جدال با اهریمن ستم و دیو دیکتاتوری و خودکامگی و استعمار خارجی به گردهم حلقه زدند. حال به عنوان سپاس و روحیه حقشناسی از خدمتگزاران واقعی، توجه خود را به یکی از چهره‌های ناشناخته که در راه سرفرازی ایران گوهر حیات و جان خویش را فدا نمود معطوف می‌داریم.

گائوک آلمانی

گائوک آلمانی بنام مستعار هوشنگ ایرانی هم دوش و هم پا با میرزا کوچک خان در نهضت جنگل دیده شد، آنگاه که همه یاران به دلایل مختلف از میرزا و نهضت جنگل بریده بودند و میرزا به تنهایی در جنگل تنگ به دوش داشت، گائوک آلمانی در کنارش بود و این وفاداری تا واپسین دم حیات ادامه داشت.

آیا این مرد که بود و چرا و با چه انگیزه‌ای جان خویش را به رایگان در اختیار نهضت و شخص میرزا کوچک خان قرار داد و چه می‌خواست؟ آیا او عاشق آزادی و عسارف پاک‌باخته بود یا تعهد و مسئولیتی در درون خویش جهت نجات نوع بشر از یوغ استعمار و بند ستم خودکامگان داشت؟ آیا او جاسوس و از مأموران مرموز و خفیه آلمان و یا سایر قدرت‌های غربی بود؟ این پرسش‌هایی است که در مغز هر مطالعه‌گر نقش می‌بندد و هر کس به فراخور استعداد و بینش و نگرش خود به آن پاسخ می‌دهد و نتیجه می‌گیرد.

واقعیت این است که گائوک که از ابتدا تا انتهای محزون و فرجام‌غم‌انگیز نهضت جنگل با اخلاص در کنار میرزا کوچک خان بود مردی آلمانی بود که به دو زبان روسی و فارسی تسلط داشت. این شخص آن قدر به رهبر نهضت نزدیک و مورد وثوق و اعتماد وی بود که توانست به عنوان نماینده تام‌الاختیار نهضت در کنار میرصالح مظفرزاده جهت تعیین خواهش سیاسی نهضت به لنکران برود. چهره او در بندر انزلی در

هنگام توافق برسر انتخاب نوع حکومت جمهوری ایران در کنار نمایندگان انقلابی روسیه نیز دیده می‌شود.

بعضی از آگاهان عقیده دارند که در اختلاف نظری که بین حاج احمد کسمانی مرد شماره دو نهضت با میرزا در نحوه اداره نهضت و آشتی با حکومت پیش آمده بود، گائوک آلمانی از وفاداران میرزا کوچک بوده است. حتی در اختلاف با جناح افراطی احسان‌الله‌خان در نحوه اداره و تنظیم تشکیلات، گائوک از هواداران میرزا کوچک بود. در فاجعه وحشتناک و شتاب زده (ملاسرا) که منجر به دستگیری حیدر عمواغلی و سوختن سرخوش و فرار خالو قربان شده بود گائوک نقش فعال و درجه اول داشته است.

راستی واقعاً باز هم باید پرسید این آلمانی فعال و صادق و ثابته قدم که بود و چه می‌خواست؟

آنچه روشن است و به ضرر قاطع می‌توان گفت، این است که این آلمانی صمیمی در دوران جنگ جهانی اول به دست ارتش انگلیس دستگیر شد و به عنوان اسیر جنگلی در زندان انگلیسی‌ها بود. بعدها به دلایلی که چگونگی آن روشن نیست جزعاسرای روسها شد و در زندان محبوس بود و پس از فراز از زندان روس‌ها به صورت یک آواره جنگ زده در رشت پرسه می‌زد تا این که شعله حیات بخش نهضت جنگل با قیام دلاورانه میرزا کوچک خان زیانه زد و او پروانه‌آسا خود را به آتش فروزان آن کشید تا خاکستر شد.

ما بارها شاهد هیجانانگیز افتخارآفرین و غرورانگیز زنان و مردان از خود گذشته در طول تاریخ بوده‌ایم که برای تحقق آرمان انسانی و آزادی ملل اسیر، مشتاقانه و داوطلبانه خود را فدا نموده و سرباخته‌اند. این آئینی است دیرین و با برجستگی خاص در روند تاریخی به چشم خورده است. هیچ کس فراموش نکرده که بایرون شاعر پرآوازه انگلیسی به خاطر آزادی مردم یونان داوطلبانه به جنگ ترکان عثمانی رفته و شهید شد. پُل والرئی شاعر نامدار فرانسوی به اتفاق دنیس

رایت نویسنده انگلیسی در جنگ آزادیخواهانه اسپانیایی‌ها علیه ژنرال فرانکو قیام کرد و جنگید. مارکی دولافایت، کنت پولاسکی، بارون اشتوفن و دیگران در جنگ‌های استقلال‌طلبانه امریکا نقش برجسته و فعال داشته‌اند. مالدینوفسکی فرمانده معروف شوروی در جنگ جهانی دوم یکی از رهبران نیروهای داوطلب آزادیخواهان علیه ژنرال فرانکو اسپانیایی بوده است. اورژی نیکدزه به اتفاق پنجاه نفرگرجی در کمیته ستار رشت برای پیکار با استبداد صغیر شرکت صمیمانه و شرافتمندانه داشته‌اند.

بنابراین شرکت و حضور گائوک در کنار میرزا کوچک امری استثنایی یا اتفاقی نبوده است. بی‌شک نمی‌توان سیمای واقعی این انسان فداکار و وفادار را که فرهنگ‌ها از خانه و خانواده و زادگاه و میهن خود دور بود ترسیم کرد ولی راهی که پیمود و فرجامی که یافت معتبرترین و متقن‌ترین سند برای پژوهشگران جهت شناخت و ترسیم تصویر اوست. به هر حال گائوک هر که بود و هر چه بود با اخلاص و بدون هیچ نوع پاداش، گوهر زندگی خویش را در راه افتخار آفرین نهضت جنگل تقدیم مردم ایران و زعیم آن میرزا کوچک خان نمود. ولی افسوس که اطلاعات جامعی از این آزاده آواره که روزگار ترس‌آلود و رنجباری در باطلاق‌های گیلان و جنگل‌های آن داشت در دست نیست، حتی در اسناد و خاطرات مردان صدر نهضت جنگل، از وی چیزی بازتاب نیافته است.

اگرچه از این مرد آزاده که سرخوش را در راه سرافرازی مردم ایران تقدیم کرد، نه گوری و نه سنگ گوری و نه یاد و یادواره‌ای باقی نمانده است. و از محل دفن او کسی به روشنی آگاه نیست ولی یاد و خاطره او در قلب همه زنان و مردان شیفته آزادی و آزادگی جاودانه است. جا دارد به عنوان سپاس و حقشناسی ستون یادبودی در کنار آرامگاه زعیم جنگل یا در یکی از میادین شهر بر پا گردد تا نماد واقعی و منطقی همه آزادگان گمنام نهضت جنگل باشد.

۱ - از کتاب خسی در میقات نوشته جلال آل احمد.

آرزوهای بزرگ و دست یافتنی



ادبیات جنگلی

حدود بیست و دو سال پیش وقتی نشریه دو هفته‌گی دامون را منتشر می‌کردم دو شماره پی‌درپی را تماماً به نهضت جنگل اختصاص دادم. (شماره‌های ۱۳ و ۱۴ آن مورخ اول آذر و ۱۵ آذر ۱۳۵۹). این دو شماره در همان زمان دوبار چاپ شد و بسیار مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت. در آن دو شماره علاوه بر مطالب متنوع و فراوانی که چاپ شده بود از جمله مصاحبه با مرحوم ابراهیم فخرایی و مصاحبه با روانشاد صادق شعله (معروف به مهرنوش) دو تن از جنگلیان پیر که هنوز در قید حیات بودند مواردی نیز بعنوان پیشنهاد مطرح شد: مثل موزه جنگل، ادبیات جنگلی، کتابشناسی جنگل و...

امروز که دو دهه از آن تاریخ می‌گذرد و این ویژه‌نامه حاضر دست شما خوانندگان عزیز قرار می‌گیرد به مناسبتی بر آن دو ویژه‌نامه مروری داشتم. دریغ آمد ناگفته از آن‌ها بگذرم. چه آن زمان، خیال خامی در سر داشتم و آرزویی که البته دور و ناشدنی برمی‌آمد و امروز به مدد دوستانی نزدیک و هم‌رای و مصمم از قوه به فعل درآمد و به صورت «بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی» رسمیت و موجودیت یافت و می‌رود تا آن خواست‌ها را به مدد جمع گسترده‌تر و طیف وسیع‌تری از مردم به عینیت و عمل برساند.

می‌اندیشم بی‌آن‌که مدخل جدیدی را در سه مورد یاد شده در گیشه‌ها که به تعبیری خلف دامون است بنویسم، بخشی از مدخل‌های مندرج در دامون را در این جا هم تکرار کنم چون هنوز هم بعد از گذشت بیست و دو سال همانی است که باید نوشته شود.

از خوانندگان و عموم گیلانیان و هم میهنان می‌خواهم در هر سه مورد «بنیاد» را یاری کنند. زمان مثل برق می‌گذرد. این فرصت‌ها کم و دیر حاصل می‌شود. وسواس زیاد، کوتاهی و دفع وقت موجب امحاء آثار می‌شود. ایجاد موزه و تأسیس کتابخانه و مرکز اسناد و مدارک مربوط به نهضت جنگل در صدر برنامه‌های بنیاد قرار دارد. «بنیاد» برای توفیق در این امر مهم دست کمک به سوی همه گیلانیان و هم میهنان دراز می‌کند. کسانی که یادگارهای پراکنده‌ای از نهضت جنگل، در اختیار دارند که می‌خواهند در این مرکز پژوهشی و فرهنگی که تأسیس شده و به عموم مردم تعلق دارد به رسم یادگار و امانت برای نسل‌های آینده بگذارند، می‌توانند با بنیاد تماس بگیرند.

موزه جنگل

با همه تلاشی که روی ارائه ویژه‌نامه‌ها شد تا به نحو مطلوب عرضه شود، مع الوصف نتوانست ادای دین کند. بسیاری چیزها ماند و گفته نشد، بسیاری چیزها بود که از ما دریغ شد و داده نشد، از همه دریغ شد. در شماره ۱۲ دامون که هنوز خبر انتشار ویژه‌نامه را به خوانندگان خود داده بودیم گفتیم که بسیاری از اسناد و مدارک جنگل و جنگلیها اینجا و آنجا دست اشخاص مختلف است که بعضی‌ها البته در حفاظتش دل می‌سوزاند و بعضیها حتی از داشتن آنها غافلند. خطر در همه حال این اسناد و مدارک را پیش هر گروه که باشد تهدید می‌کند. حتی گروه اول باز نمی‌توانند امیدوار باشند که در نگاهداری امانت این آثار ارزنده موفق هستند. ایمنی کامل تنها در عرضه آنها برای همگان است.

اکنون بسیاری از اسناد و مدارک در چند کتاب مستند که تاکنون نشر شده بچاپ رسیده است و با چاپ آنها برای همیشه از گزند حادثه بدور مانده است. بهترین کار برای حفظ آثار پراکنده و بجای مانده پیش اشخاص، این است که موزه‌ای با نام میرزا کوچک یا جنگل یا هر نام دیگر از این دست تأسیس شود و از تمامی کسانی که یک یا هر تعداد سند، مدرک، فرمان، دست نوشته، لباس، سلاح و چی و چی از جنگل دارند خواسته شود که به آنجا منتقل کنند.

کافی نیست که هر سال ۱۱ آذر را بر مزار سوت و کور میرزا گردهم آئیم، دوسه تراکت ناهمگون این‌جا و آن‌جا آویزان کنیم که بر سر یکی پنجاه و دومین سالمرگ و بردیگری شصت و یکمین روز شهادت نقش زده باشد، یا بر در و دیوار چند پوستر باز ناهماهنگ بچسبانیم که روی یکی ۱۲ آذر را گرامی داشته‌اند و روی دیگری ۱۴ آذر را و بر اثر بعضی سیاستها و صف بندیها بر سر آرامگاه هم جمعیتی ربع جمعیت پارسال جمع شوند و مزار هم، چنان گذشته تزار!

تا تمرکز و کانونی جهت ثبت و ضبط و جمع آوری کلیه اسناد و مدارک مربوط به جنگل فراهم آید و باصطلاح مقدمات تهیه موزه جنگل تدارک دیده نشود دامون را مرکز موقت این کار و کانون ترتیب دهنده آرشو بزرگ جنگل کنید.

[دامون، سال اول، شماره ۱۴، ۳۰ آذر ۱۳۵۹، ص ۸] **گیله‌وا**

امروز بجای دامون می‌توانید نام «گیله‌وا» یا بهتر از آن نام «بنیاد» را بگذارید آرزویی که حداقل برای دامون تحقق یافته است. عبارت «موزه جنگل» هم به صورت «موزه نهضت جنگل» تصحیح شود بهتر است.

ادبیات جنگلی! ادبیاتی نو در ادبیات معاصر ایران است. ادبیات جنگلی مأخوذ از نام جنگل، قیام باشکوه و مردمی گیلان است. آمیزه‌ایست از شعر، قصه، نمایشنامه، سناریو و هر متن تحریر یافته مربوط به این نهضت که جنبه ادبی داشته باشد. آنچه شعرا و نویسندگان گیلانی و غیر گیلانی به فارسی و گیلکی [و هر زبان دیگر] در خصوص میرزا، یاران وی و نهضت جنگل گفته‌اند می‌تواند زیر عنوان ادبیات جنگلی گردهم آید و مجموعه عظیمی فراهم آورد که هر از چند گاهی زیر نظر یک شورای متشکل از زنده‌ترین و متعهدترین شاعران و نویسندگان به صورت ماهنامه یا جُنگ‌های فصلی انتشار یابد. هم‌اکنون اشعار، قصه‌ها، پيس‌ها و تقریرات ادبی فراوان در این زمینه نوشته شده و می‌شود که در مطبوعات چاپ شده است.

دامون سعی در تمرکز این ادبیات دارد حتی اگر سراینده و نویسنده ترجیح دهد اثر خویش را در نشریه‌ای دیگر به غیر از دامون به چاپ رساند باز کمال بزرگواری است اگر بریده همان اثر چاپ شده را با ذکر نام نشریه و تاریخ چاپ عیناً به دفتر دامون ارسال دارد. در این کار محدودیتی نیست غرض گردآوری مجموعه عظیم این ادبیات است.

[دامون، سال اول، شماره ۱۴، ۳۰ آذر ۱۳۵۹، ص ۶] **گیله‌وا**

امروز بجای دامون می‌توانید نام «گیله‌وا» یا بهتر از آن نام «بنیاد» را بگذارید. آرزویی که حداقل برای دامون تحقق یافته است. عبارت «ادبیات جنگلی» هم به «ادبیات نهضت جنگل» تصحیح شود بهتر است.

بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی

نهادی نوپا در شناخت تاریخ معاصر گیلان



«بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی» یک نهاد مدنی است که در آستانه هشتادمین سال شهادت میرزا کوچک جنگلی رهبر نهضت مردمی جنگل، یعنی آذرماه سال جاری، از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز فعالیت گرفت و تحت شماره ۱۵۴ به ثبت رسید.

این بنیاد که با اهداف فرهنگی و مقاصد غیر تجاری، غیر سیاسی و غیر صنفی تأسیس شده، یک مؤسسه غیر انتفاعی است و اهداف خود را در ماده ۱۸ اساسنامه بنیاد به شرح زیر به اطلاع عموم می‌رساند:

- ۱- پژوهش در تاریخ ایران و گیلان در رابطه با نهضت جنگل
- ۲- گردآوری اسناد و مدارک نهضت جنگل که به صورت پراکنده در نزد اشخاص و یا سازمانهاست.

- ۳- ایجاد مرکز اسناد نهضت جنگل و کتابخانه تخصصی درباره نهضت جنگل و سران آن
- ۴- ایجاد موزه نهضت جنگل
- ۵- ارشاد پژوهندگان و همکاری با محققین درباره نهضت جنگل
- ۶- برگزاری جلسات سخنرانی، سمینار و کنگره
- ۷- انتشار کتب درباره نهضت جنگل
- ۸- ترجمه و تألیف و نگارش مقالات به زبان‌های خارجی و بالعکس
- ۹- انتشار جزوه، مجله و گاهنامه درباره نهضت جنگل
- ۱۰- تهیه و تکثیر پوستر، طراحی، گرافیک، انیمیشن، کتاب کودکان درباره نهضت جنگل
- ۱۱- ترتیب مسابقات فرهنگی و هنری

بنیاد مطابق ماده ۱۱ اساسنامه خود، به منظور نیل به اهداف و موضوع فعالیت‌های فرهنگی و هنری پیش‌بینی شده می‌تواند با رعایت مقررات مربوطه به عملیات زیر مبادرت نماید:

- پذیرش کمک‌های نقدی و جنسی و هرگونه اسناد و مدارک و کتب و اشیای دوران نهضت جنگل برای موزه و کتابخانه و مرکز اسناد، مشروط بر این که هدایا و کمک‌ها بدون قید و شرط باشد و بنیاد را از اهداف خود باز ندارد.

هیأت مؤسس در یکی از بانک‌های مجاز کشور حساسی به نام بنیاد باز و کلیه سرمایه و درآمد نقدی و کمک‌های مالی را در آن تمرکز می‌دهد.

جهت آشنایی عموم خوانندگان و علاقمندان مسایل فرهنگی و پژوهشی نهضت جنگل با این بنیاد، مختصری از بیوگرافی هیأت مؤسس در زیر آورده می‌شود.



اعضای هیأت مؤسس «بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی»
 نشسته از راست: دکتر شاپور رواسانی - سیدنوری کیا فر
 ایستاده از راست: غلامرضا فروتن - پورا احمد جکتاجی - محمدتقی میرابوالقاسمی - جمشید مهربان - عزیزالله اخوان

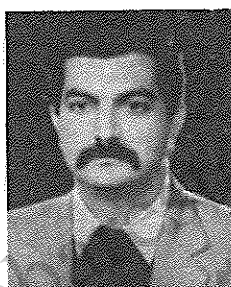
حساب جاری «بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی»
 شماره ۱۵۱۵۵۸ - بانک ملت - شعبه امام خمینی رشت
 رشت - ابتدای خیابان سعدی - روبروی مجتمع فرهنگی هنری خاتم الانبیاء - کتابفروشی فرهنگ
 صندوق پستی (رشت ۳۶۷۸-۴۱۶۳۵) تلفن ۲۲۲۷۱۹۲
 ■ گیله‌وا / ویژه نهضت جنگل / ضمیمه شماره ۶۵ / صفحه ۱۳ ■

بیوگرافی اعضای هیأت مؤسس

بنیاد پژوهشی - فرهنگی میرزا کوچک جنگلی

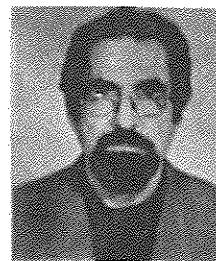
بازنشتگی کرد. آثار ذیل از وی چاپ و منتشر شده است:

- ۱- قصه کوی و بزرن ما ۱۳۵۰ (مجموعه شعر).
 - ۲- مرغ سفید کوچولو ۱۳۵۴ (قصه برای کودکان - ترجمه).
 - ۳- فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی ۱۳۵۵ (کتابشناسی).
 - ۴- فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی ۱۳۵۶ (کتابشناسی).
 - ۵- راه آزادی ۱۳۵۶ (قصه برای نوجوانان - ترجمه).
 - ۶- سفرنامه و جغرافیای گیلان و مازندران ۱۳۵۷ (بوهرلر - تصحیح).
 - ۷- کتابخانه ملی ایران ۱۳۵۸ (تألیف).
 - ۸- نامه رسان پیر ۱۳۵۸ (قصه برای کودکان - ترجمه).
 - ۹- مطبوعات گیلان در عصر انقلاب ۱۳۶۱
 - ۱۰- فرمانروایان گیلان ۱۳۶۴ (ه. ل. رابینو، ترجمه با همکاری دکتر رضا مدنی).
 - ۱۱- گیلان‌نامه. جلد اول ۱۳۶۶.
 - ۱۲- کتاب‌شناسی گیلان. جلد اول ۱۳۶۸ (با همکاری فرشته طالبان انساندوست و سید حسن معصومی اشکوری)
 - ۱۳- گیلان‌نامه جلد دوم ۱۳۶۸.
 - ۱۴- زلزله گیلان به روایت مطبوعات ۱۳۷۰ (با همکاری سارا خدیوی فرد و احمد قربانزاده).
 - ۱۵- کتابشناسی گیلان جلد دوم ۱۳۷۰ (با همکاری فرشته طالبان انساندوست و سید حسن معصومی اشکوری).
 - ۱۶- گیلان‌نامه جلد سوم ۱۳۷۱.
 - ۱۷- گیلان‌نامه جلد چهارم ۱۳۷۴.
 - ۱۸- افسانه‌های گیلان ۱۳۸۰.
 - ۱۹- گیلان‌نامه، جلد پنجم ۱۳۸۰.
 - ۲۰- گیلان، استان آخر ۱۳۸۰.
- وی علاوه بر نام اصلی م. پ. جکتاجی با چندین نام مستعار نیز در جراید کشور قلم زده است.



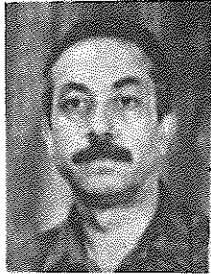
محمد تقی پورا احمد جکتاجی

به سال ۱۳۲۶ در رشت دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان برد. پس از اخذ دیپلم از دبیرستان شاهپور (دکتر بهشتی فعلی) به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در شهرستان شفت به عنوان آموزگار به تدریس پرداخت. سال بعد برای ادامه تحصیل به تهران رفت و پس از اخذ لیسانس در رشته زبان انگلیسی به استخدام وزارت فرهنگ و هنر (وزارت ارشاد اسلامی فعلی) درآمد و در کتابخانه ملی ایران (تهران) شروع به کار کرد. در آغاز انقلاب به زادگاهش برگشت و در سال ۱۳۵۸ با همکاری چند تن از شاعران و نویسندگان گیلانی نشریه «دامون» را منتشر ساخت. پس از نشر چهار شماره و وقفه‌ای چند که در کار حاصل شد، دوره دوم «دامون» را به تنهایی منتشر ساخت. پورا احمد جکتاجی پس از بازماندن از فعالیت نشریه دامون، نشر گیلکان را تأسیس نمود و مجموعه‌ای از آثار گیلان‌شناسی را چاپ و منتشر کرد. وی در اسفند سال ۱۳۷۰ امتیاز مجله «گیله‌وا» را دریافت کرد و اولین شماره آن را در تیرماه ۱۳۷۱ منتشر ساخت. وی بعد از ۲۶ سال سابقه کار کتابداری و تدریس در این رشته داوطلبانه تقاضای



عزیزالله اخوان ماسوله

در سال ۱۳۲۷ در ماسوله متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در ماسوله و دبیرستان را در رشت به پایان رساند. از دانشگاه تهران لیسانس تاریخ گرفت و در رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه گیلان فارغ‌التحصیل گردید. مدتی به شغل دبیری اشتغال ورزید. مدیریت امور جهانگردی در گیلان، معاونت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه، ریاست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تالش و آستارا، معاونت فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان از عناوین شغلی وی در دوره خدمات اداری بوده است. اخوان با سمت کارشناس امور جهانگردی در سال ۱۳۷۷ بازنشسته شد و فعلاً مدیریت یکی از دفاتر خدمات جهانگردی را در رشت بر عهده دارد. از عزیزالله اخوان چندین مقاله در زمینه جهانگردی و گردشگری چاپ شده است. گفتنی است عنوان پایان‌نامه فوق‌لیسانس وی «جامعه‌شناسی جنبش جنگل» نام دارد.



غلامرضا فروتن فومنی

متولد ۱۳۲۳ رشت است. دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر زادگاهش به پایان رسانید. در دانشکده‌های فنی مهندسی تبریز، کالج مهندسی کشور آلمان و در دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته مکانیک عمومی به ادامه تحصیل پرداخت در فاصله سال‌های ۱۳۵۲ الی ۱۳۵۶ به علت مبارزات سیاسی و اقدام علیه امنیت کشور و ضدیت با رژیم شاه دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت.

بعد از آزادی از زندان در دانشگاه صنعتی خواجه نصیر طوسی به خدمت مشغول شد و هم اکنون سال‌های پایانی خدمت را می‌گذراند...

مهندس غلامرضا فروتن در انستیتو بین‌المللی جوش (IIW) و انجمن جوشکاری و آزمایشهای غیر مخرب ایران (IWNT) عضویت دارد.

از آثار و تألیفات فنی وی می‌توان به شرح زیر نام برد:

۱ - مختصری درباره متالورژی جوش و عیوب جوشکاری

۲ - روش استاندارد بازرسی فنی و عیب‌یابی در جوشکاری

۳ - میانی جوشکاری با قوس الکتریکی

فروتن در حسین کسارهای فنی در رشته جوشکاری، سالهاست به پژوهش درباره نهضت جنگل و قسمتهایی از شاهنامه فردوسی پرداخته است و مقالات و کتابهایی در این زمینه تألیف کرده است از جمله:

«شاهنامه شاه نامه نیست!»

منظومه فردوسی و شیوه تولید قبیله‌ای آسیایی

زنان شاهنامه

رابینو کی بود؟ جویشی پیرامون نهضت انقلابی جنگل

در کنار فعالیت‌های سیاسی، شاپور رواسانی در کشور آلمان به کار در مشاغل مختلف و ادامه تحصیل پرداخت و در سال ۱۳۴۵ در رشته علوم سیاسی از دانشگاه «هانور» آلمان موفق به اخذ درجه دکترا در علوم سیاسی شد.

دکتر رواسانی از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۷۸ با سمت استاد کرسی اقتصاد اجتماعی کشورهای در حال توسعه در دانشگاه «الدنبورگ» آلمان مشغول تدریس و تحقیق بود و اکنون چند سالی است که به وطن به قصد اقامت دائم بازگشته است.

آثار پروفیسور دکتر شاپور رواسانی که سالهای اخیر در ایران و به فارسی منتشر شده‌اند:

۱ - دولت و حکومت در ایران در دوره تسلط استعمار سرمایه‌داری

۲ - چپاول، جهان سوم غارت می‌شود

۳ - نهضت میرزا کوچک خان جنگلی و اولین جمهوری شورایی در ایران

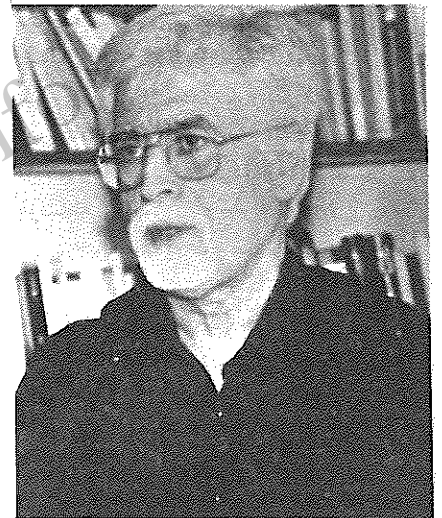
۴ - نظریه دو دنیا

۵ - جامعه بزرگ شرق

۶ - زمینه‌های اجتماعی هویت ملی

۷ - نادرستی فرضیه‌های نژادی آریا، سامی و ترک

۸ - سلسله مقالات درباره امپریالیسم و جامعه مدنی و عناوین دیگر در نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی و مجله گزارش

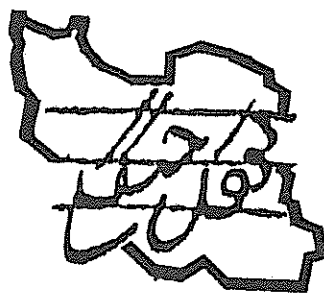


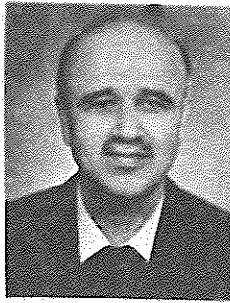
پروفیسور شاپور رواسانی

در ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ در شهر رشت متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در شهر رشت گذراند و سپس از دانشسرای عالی و دانشکده علوم دانشگاه تهران در رشته علوم طبیعی با درجه لیسانس فارغ‌التحصیل شد.

هم زمان با این دوره تحصیلی در فعالیت‌های دانشجویی نهضت ملی کردن صنایع نفت در سراسر ایران، به طور فعال شرکت نمود. سخنرانی‌های او علیه سلطنت پهلوی در جریان قیام سی‌ام تیر ۱۳۳۱ و ۳۲ و روزهای ۲۵ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه کودتاجیان باعث شد تا تحت تعقیب قرار گیرد و در سال ۱۳۳۵ مدتی کوتاه در زندان بسر برد.

به علت ادامه فعالیت‌های سیاسی علیه سلطنت مجبور شد در سال ۱۳۴۱ ایران را به طور غیر قانونی ترک کند و فعالیت‌های سیاسی خود را مدتی در سازمان‌های سیاسی و مدتی به طور انفرادی علیه رژیم سلطنتی و حامیان انگلیسی و آمریکایی‌اش ادامه دهد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست به ایران بازگردد.





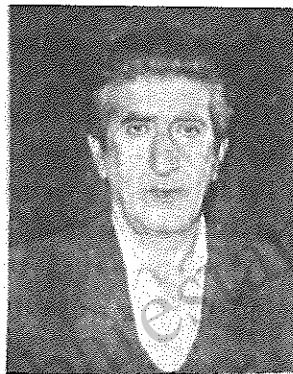
سید محمد تقی میرابوالقاسمی

در سال ۱۳۰۹ به دنیا آمد. دروس حوزوی مقدمات و سطح و خارج را در کنار تحصیلات دبیرستانی و دانشگاه ادامه داد. پس از اخذ لیسانس در سال ۱۳۳۸ به استخدام آموزش و پرورش گیلان درآمد و به کار تدریس در دبیرستان‌ها و دانشسراها و دانشگاه‌های گیلان (رشت و آستارا) پرداخت. در سال ۱۳۷۳ بازنشسته گردید.

در این مدت به طور مستمر با جراید و مجلات ایران همکاری داشت. در سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵ برای آگاهی و دست‌یابی به اسناد تاریخ گیلان به باکو (جمهوری آذربایجان) و تفلیس و کوتایسی (جمهوری گرجستان) سفر کرد.

جدای از مقالات آثاری را که تا این زمان انتشار داده است عبارتند از:

- ۱ - سرزمین و مردم گیل و دیلم
 - ۲ - تاریخ و جغرافیای طالقان
 - ۳ - پژوهش در زندگی مذهبی جوانان
 - ۴ - نقش الگوها در تربیت
 - ۵ - نهضت‌های روستایی در ایران
 - ۶ - فرهنگ مقیاسات در اسلام (که بخشهایی از آن در دائرةالمعارف تشیع چاپ شده است)
 - ۷ - گیلان از آغاز تا انقلاب مشروطیت
 - ۸ - گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما
 - ۹ - دکترحشمت‌اندیشه اتحاد اسلام در جنبش جنگل
 - ۱۰ - انتشار خاطرات صادق کوچکپور، نهضت جنگل و اوضاع اجتماعی و فرهنگی گیلان و قزوین (تصحیح و تحشیه)
 - ۱۱ - جنبش جنگل و میرزا کوچک خان، خاطرات میراحمد مدنی (تصحیح و تحشیه)
- وی هم اکنون سرگرم نوشتن کتابی درباره بازمانده میراث اسماعیلیه در شمال ایران و باستان‌شناسی قرآن می‌باشد.
- از دو ترجمه چاپ نشده او نیز می‌توان در این فهرست یادکرد که عبارتند از اسلام در قرن بیستم نوشته محمود عقاد و تاریخ قرامطه نوشته صابی - که با پیوست دیگری در همین زمینه همراه است که بیشتر از نظرات طه ولی گرفته شده است.



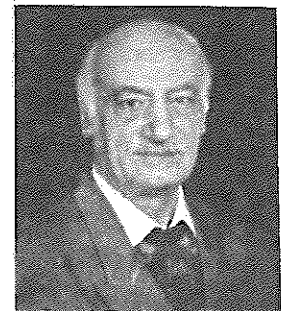
جمشید مهربان راذ

متولد ۱۳۲۲ لنگرود است. تحصیلات ابتدائی را در مدرسه علمیه واقع در ساغری سازان رشت گذارند و دیپلم خود را از دبیرستان (شاهپور سابق) اخذ نمود. در سال ۱۳۴۲ پس از گذراندن دوره یک ساله تربیت معلم به استخدام آموزش و پرورش گیلان درآمد و به سمت آموزگار در حومه رشت مشغول به کار شد.

چندی بعد به تهران رفت و در حین تدریس به دانشگاه تهران وارد و در رشته علوم اجتماعی فارغ‌التحصیل گردید. پایان‌نامه وی مونوگرافی پیربازار نام داشت که مدتی در آنجا تدریس کرده بود. علاقه وی به علوم اجتماعی وی را تشویق کرد که از اولین فوق لیسانس‌های جامعه‌شناسی در دانشگاه تهران باشد.

بعد از پایان تحصیلات به رشت منتقل شد و به تدریس در مراکز دبیرستانی و کاردانی و کارشناسی آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد لاهیجان پرداخت.

مهربان اینک بازنشسته است و در حال حاضر به تدریس در دانشگاه و ساماندهی بازنشستگان آموزش و پرورش مشغول است. وی در تهران با مجله رشد علوم اجتماعی همکاری مستمر داشت و مدتی نیز در مؤسسه سروش (وابسته به صدا و سیما مرکز رشت) به تدریس اشتغال داشت.



سید نوری کیافر

در ۱۷ شهریور ۱۳۱۱ در شهر رشت چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در دبستان فاریابی و متوسطه را تا اخذ دیپلم در دبیرستان شاهپور و دانشسرای مقدماتی، در زادگاهش ادامه داد. سپس جهت ادامه تحصیل به تبریز رفت و در سال ۱۳۳۸ از دانشکده ادبیات تبریز در رشته تاریخ و جغرافیا فارغ‌التحصیل شد. آنگاه به استخدام آموزش و پرورش درآمد و به عنوان دبیر دبیرستان‌ها در شهر لاهیجان به تدریس اشتغال ورزید.

کیافر در تیرماه ۱۳۵۶ بازنشسته شد و از آن زمان تاکنون به مطالعه و نگارش مشغول است.

در ایام تدریس با روزنامه‌های محلی به مقتضای حال با نام‌های مستعار «پیکان - ناظر - رهرو - پ. کیوان» مقالاتی می‌نوشت. در سال ۱۳۷۶ در کنار شورای دبیران هفته‌نامه «گیلان ما» همکاری مستقیم داشت.

آثار و تألیفاتی به شرح زیر دارد:

- نقش اجتماعی معلم (۱۳۳۸)
- کال گپ (۱۳۴۳)
- نگاهی به لاهیجان (۱۳۴۴)
- نهضت جنگل و میرزا کوچک (۱۳۶۲)
- کتابی نیز تحت عنوان «واقعیت و ماهیت نهضت جنگل» آماده چاپ دارد که گویا قرار است از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان چاپ شود.
- گفتنی است موضوع پایان‌نامه وی نهضت جنگل و میرزا کوچک خان بوده است.



امین الدوله با جماعتی از اعضاء جنگل - نفر وسطی با کت سفید حاجی محسن خان امین الدوله است
معمین از چپ بر است: ۱- حاجی شیخ محمد تقی فرزند افتخار العلماء ۲- حاجی میرزا محمد رضا حکیمی
۳- شیخ عالی برادر حاجی احمد ۴- سید مهدی دهنده ای معروف به بی ربط ۵- میر آقا کمائی

دهقانان، نهضت جنگل و مسئله لشت نشا

هوشنگ عباسی

احسان الله خان رهبر تندرو انقلاب شعار «زنده باد انقلابی که زمین به دهقانان می دهد»^۱ می داد.

جنگلیها «با افزایش سهم محصول زارعان سهم بر، کاهش میزان کارگران و انجام تغییراتی از قبیل رسیدگی به شکایت های روستائیان بر ضد مالکان، انتخاب تغییراتی از قبیل رسیدگی به شکایت های روستائیان بر ضد مالکان، انتخاب افرادی از بین دهقانان برای عضویت در گروه شان پرداخت هزینه غذاهایی که از روستاهای سرراشان می گرفتند. و حتی وادار ساختن تعدادی از مالکان مخالف به تقسیم بخشی از املاکشان در بین دهقانان، آگاهانه برای به دست آوردن پایگاه مردمی در میان روستائیان کوشیدند، یک نفر از نیروهای اعزامی بریتانیا به شمال ایران، کوچک خان را به عنوان «رایین هود مرداب های خزر» توصیف کرد. از این نظر یکی از مهمترین اقدامات جنگلیها، کوشش در جهت شکل های دهقانی بود. پایگاه طبقاتی اولین دولت انقلابی گیلان که به سر کمیسری کوچک خان تشکیل یافت، ۳ نفر مالک بزرگ، ۱ نفر خرده

مرامنامه نهضت جنگل در مقدمه اش اصل «آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش» را، از اهداف خود دانسته است.

در ماده چهارم مرامنامه که به امر اقتصاد اختصاص یافته، در اصل ۱۲ منابع ثروت از جمله اراضی را جزء «علاقه عمومی» منظور نموده و در اصل ۱۳ آمده: «مالکیت ارضی با ملاحظه تأمین معیشت عمومی تا حدی تصدیق می شود که حاصل آن عاید تولیدکننده شود.»^۱ در این اصل به طور غیر مستقیم زمین از آن کشاورز و تولیدکننده به حساب آمده است.

پایگاه طبقاتی نیروهای جنگل از گروههای اجتماعی مختلف تشکیل شده بود، همانگونه که اعضای نهضت در سطوح پایین از «روستائیان زحمتکش، صیادان، حمالان، کارگران و پیشه وران» تشکیل یافته بودند. در سطح رهبری نهضت خانواده های بزرگ مالکان، روحانیون و تجار بزرگ قرار داشتند و هژمونی نهضت به دست این گروهها بود. نهضت هر چه قدرت بیشتری می گرفت، اختلاف طبقاتی نیز در میان نیروهای شرکت کننده در نهضت افزایش پیدا می کرد،

در طلیعه قیام جنگل نظام بزرگ مالکی و زمینداری بر کشور مستقر بود. صنایع ملی فرصت رشد نیافته بودند و در مرحله ابتدائی باقی مانده، بورژوازی ایران شرایط رشد را طی می نمود.

نهضت جنگل در اردیبهشت ۱۲۹۴ خورشیدی با ورود میرزا به رشت شکل گرفت و تقریباً پس از شش سال و نیم با کشته شدن میرزا کوچک خان سردار نهضت در ۱۱ آذر ۱۳۰۰ خورشیدی خاموش شد.

عناصر جنگل از نیروهای اجتماعی ناهمگون تشکیل شده بود، هر یک از این اقشار و طبقات آرمانها و خواسته های خود را در نهضت جنگل دنبال می کردند. بخش عمده ای از نیروهای هوادار جنگل را روستائیان تشکیل می دادند، یکی از اهداف اصلی نهضت جنگل تحول در نظام زمینداری بود، دهقانان به این امید به نهضت پیوسته بودند، تا دست خوانین و عوامل آنان را که مدافع زمینداری و نظام استبدادی بودند، از روستاها کوتاه کنند، شاید به همین دلیل بوده، برخی از پژوهشگران نهضت ملی جنگل را یک نهضت دهقانی قلمداد کردند.

مالک، ۲ نفر تاجر و بنگاه دار، ۲ کارمند وزارت خارجه، اعمال رهبری داشتند.^۱

نویسنده کتاب «مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران» معتقد است: «نهضت جنگل جنبشی مسلح و به طور عمده متکی به دهقانان» بوده است، وی نتیجه گیری می کند، که: «این نهضت طی یک سال (۱۸ ثور ۱۳۰۰، مطابق با ۶ مه ۱۹۲۱) - تز حیدرخان عمواقلی را که در ایجاد وحدت میان نیروهای جنگل نقش اساسی داشت، در مورد مقدم شمردن «ضرورت انقلاب و رفورم فلاحی مبنی بر تقسیم املاک ملاکین بزرگ بین زارعین را پذیرفت و حیدرخان خود، صدارت و رهبری اتحادیه دهقانان را برعهده گرفت.»^۲

گرچه مالکین بزرگ ظاهراً با میرزا کوچک و نهضت جنگل همخوانی داشتند، اما از تعمیق انقلاب وحشت داشتند، به همین جهت کوشیدند مخفیانه بر علیه قیام جنگل توطئه چینی کنند، عولامل بیگانه نیز این درگیری را تشدید می نمودند. به همین جهت اتحادیه ای از مالکین بزرگ دور هم گرد آمدند، مرکز این نشست در لشت نشا منزل حاج محسن خان امین الدوله بود. و از سوی دیگر: «از یک طرف امیر مقتدر تالش را بر علیه جنگل برانگیختند، و از طرف دیگر در

قریه لشت نشا که از املاک خالصه و بعداً به مرحوم حاجی میرزا علیخان امین الدوله اعطاء شده بود، کانونی علیه جنگلیها بوجود آوردند.»^۳ فخرایی نویسنده کتاب «سردار جنگل» در زمینه همکاری میرزا محسن خان امین الدوله و سپهسالار محمد ولی تنکابنی می نویسد: «نامبرده با توجه به تصمیم سپهسالار محمد ولی تنکابنی به قلع و قمع جنگلیها و به حکم آنکه هر دو نفر از مالکین بزرگ محسوب می شده و بین مالکین بزرگ در طرد عناصر ناباب و ساکت نمودن نغمه های آزادی اصولاً توافق و هماهنگی موجود است، فکر می کرد به عنوان عضوی از خاندان مشترک المنافع سهمی از افتخارات بدست آورد، لاجرم به طرح نقشه و تهیه مقدمات پرداخت، تا این نهال تازه ای را که ممکن است، بعداً درخت تناوری گردد و نفع طبقاتشان را بالمال در معرض خطر قرار دهد، از بیخ بن برکند و از وجود عناصر مغل مضر یکباره آسوده شود.»^۴

میرزا محسن خان امین الدوله همسر شاهزاده خانم فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه یکی از مالکان بزرگ گیلان بود، او اراضی لشت نشا را که خالصه بود، به قیمت ارزان از دربار خریداری کرده، به مرور به زمین های خرده مالکان تجاوز کرده، از دست آنان به چنگ آورد، حاج محسن

خان به دلیل نفوذ فوق العاده در دربار به اراضی مجاور از جمله زمین های حاج امین الضرب مالک حسن کیاده شیخون می زد و قسمت هایی از آن اراضی را به وسیله ایادی و مباشران خود ضمیمه زمین های خود می کرد. ناراضیتی و شکایت دهقانان و خرده مالکان بر علیه خان بی نتیجه مانده بود.

روزنامه جنگل در شماره دوم به تاریخ شنبه ۲۵ شعبان ۱۳۳۵ هجری تحت عنوان: آژانس جنگل از لشت نشا به جنگل می نویسد: امین الدوله معلوم الحال و حاج میرزا محمد رضای ام المله (نمی دانم به چه مناسبت یکی دو نفر نیمچه آخوند دیگر) با هشتاد نفر پیاده که با تفنگ های سرپر قدیم مسلح بودند. (کار حاجی مصطفی و حسن موسوی، و قال خان) و چند نفر سرباز گارد که تفنگ و رندل دارند، بتوجهات آقای سردار منصور (خبردار) غلط گفتم سپهدار اعظم برای قلع و قمع جنگلیها سابقاً به رشت فرستاده شده بودند و چند نفر قزاق ایرانی بیچاره، بی نوا برای غارت رعایای لشت نشا به آنجا رفته، امین الدوله و توله های شکاری معروضه فوق با عده مسلح به ید ستم معروضه چندین روز بود، در آن محنتکده از این اجاره نامه بزور بگیر، از آن مفاصا بدزد، از یکی قباله به جبر مطالبه کن از دیگری باقی سی ساله عهده شاه و زوزک به شکنجه و چوب و چماق بخواه، القصه در نهایت جدیت و فعالیت مطابق اصل حقوق بین الملل مشغول تصفیه امور آنجا یعنی گرفتن جان و مال رعایای فقیر بی پناه آن حول و حوش بودند و در حرکت امین الدوله در این موقع به لشت نشا بعضی اسرار دیگر مکنون است که در نمرات آتیه به عرض قارئین گرام خود می رسانیم.»^۵

ستم و اجحاف میرزا محسن خان به روستائیان حد و حصری نداشت، جان و مال و ناموس رعیت در ید قدرت خان بود، به گواهی نویسنده تاریخ انقلاب جنگل: (تعدی کسان امین الدوله نسبت به خرده مالکین قریه لشت نشا سابقه ممتدی داشت، این طبقه که در حقیقت مظلوم بودند، سالها در تهران و رشت تظلم و احقاق حق می کردند، ولی تأثیر نداشت.»^۶ میرزا کوچک خان به عنوان یک انقلابی برای دهقانان لشت نشا نامی آشنا بود، سردار جنگل حتی قبل از شروع عملیات انقلابی در لشت نشا دوستان و یارانی داشت. سردار جنگل در عصر مشروطیت از طرف «انجمن روحانیون»

تاریخ انقلاب جنگل

(به روایت شاهدان عینی)

تالیف شادروان

محمد علی گیلک (خمامی) کمیسر فوآند هامة کابینه جنگل

سالها بعد از شکست نهضت جنگل، عده ای از رهبران و فرماندهان این جنبش مردمی زیر نظر و سرپرستی شادروان گیلک تکمیل جلد داده و طی نشست های منوالی محفوظات ذهنی خود را همراه مستندات موجود بصورت مکتوب در آورده در اختیار آمرسجوم که در میان جنگلیها از حسن شهرت بسیار برخوردار و به آران می و صدق گمنام سردار بود قرار می دهند. تاریخ انقلاب جنگل حاصل آن نشست های مشرفه رضا شاهی است که سالها در محاق چاپ ماند و نسخه منحصر بفرد آن که پیش ورکه مؤلف در خارج از کشور حفظ می شد اینک بعد از گذشت ۲۲ سال از شکست نهضت و شهادت رهبر آن منتشر می شود.

چون در این کتاب خاطرات و یادداشتهای جمعی از رهبران سیاسی و نظامی

مخالفت و موافق نهضت از جمله:

صالح صالح - میرزا علی خان طالقانی (طالع) - میرزا ابوطالب عرفانی
میرزا غلامحسین جوینده - میرزا محمد مهدی انشالی - سرریگور یقینکیان
اسماعیل خان جنگلی - حسن میسری - سعاده خان درویش - حسین جودت
ساوک - دکتر آقاخان - سلطان الواعظین خلخالی و دیگران

قل شده است، تاریخ انقلاب جنگل (به روایت شاهدان عینی) می تواند بعنوان یکی از مستندترین کتابها در باره نهضت جنگل و تاریخ معاصر ایران بحساب آید. تاریخ انقلاب جنگل همراه تصاویر و اسناد و مدارك تازه

در بیش از ۶۰۰ صفحه به قطع وزیری و جلد لو کس

کوچی خان

ویژه نامه: ۱۹

علی زیبا کناری



لوی خان!
بهره کو سر مجه
جنگل خوښه
جنگل حقه کبخته!
باوله کو سره سرده سباوا!
اچهنور وارنه
خوښکه لانه
خاله خاله زمین!
پهله مردای!
پهله کس!
گهله مردانه نفس!
هنهک تی نام زنده به گهله کانه ره -
تی راسته حسینی را
آپو راخی
انه رامتیه
امزاک زوکان
هنه تان
تی پاچا له سره با نیبه دی
تی راهه شهیدی
پهله کوچیک!
نام اوهر بمرده ورده کچه مین
هنه کهره کله لنده
بنازم تی خیرته
کی همنهک
پهله خونی ره
بلتاقه دمی
پا پرا نده گهله مرده
تهنا دوست
تهنا نه خورم برار
پرد مردانه تی لا پرده بچنگستی
تهنا با سر بنشانی
نکته نامو
جه و پستایی
جه تهنه تایی

همهک
کوت بزین
تی کله مین
تی خونه مین دبو
نتا نستی بیدینی توه اجنبی کله خوښه
امه اهرانه کره
فوتورات کودا ندی بید
هنه کی
همهک تی نام زنده به
تی سر راسته
تی کرنه شقه
تی سر آمو جان
گولاز کونید
تی سر
هر ساعت
هر دقه

تا جوگوردا نی
کونا جورا کونی
نظام عاجه -
کی امیره اجنبی وا کاغته بو -
خواستی با کاره شهیدانه تازه اهرانه بینی
سره سر نیزه فانی به هورا
ولی
سر بیرا به که تا کس نویوی
سه خاله کونه جبر گرمه نو کودی -
هرگره
چیره کی
وطنه عشق

سوی لشت نشا حرکت کرده و روزها در جنگل امنی بسر برده، استراحت می نمودند و اغلب غذای خود را از دهاتی ها گرفته و در حقیقت با آنان محشور بودند و آنها نیز همینکه از ورود مجاهدین باخبر می شدند، غذای یک وحله آنان را تهیه می کردند، و برای آنکه تحمیلی به دهاتی ها نشود، کمتر اتفاق می افتاد که جنگلیها در یک محل دو سه روز توقف نمایند.»^{۱۲}

جنگلیها سپیده دم به لشت نشا رسیدند و همان هنگام به مقر خان شیخون زدند، روزنامه جنگل در شماره دوم خود در این مورد می نویسد: «بناگاه از کمینگاه جنگل فومن یک عده فدائیان جنگل به امر هیأت اتحاد اسلام دامت تأییداتهم بسرکردگی شجاع غیور آقا میرزا کوچک خان از طرف شرق به لشت نشا حمله کرده، ما پیشرفت کردیم، آنها پس نشستند، بالاخره آقایان را... دستگیر کردند، بحمدالله اقبال بی زوال جناب مستطاب اجل افتخار الحاج مفاخرالدوله به جز یکی دو سه چهار نفر مقتول از طرفین چشم زخمی به آقای امین الدوله، نه به حاج میرزای ابوالمله یا ام المله، نه به آن چند نفر بادمجان دورقاب چین های ریزی دیگر نرسیده.»^{۱۳}

ابراهیم لیمونی (معروف به آقا دانی) و... رانام برد. تجمع و حضور مالکان در خانه امین الدوله، هشداری برای دهقانان و نهضت جنگل بود. اهالی که پی به اغراض تازه واردین برده بودند، به وسیله پیک هایی به طور مخفیانه گزارش نشست ها و تصمیمات مالکان را به اطلاع رهبران نهضت می رساندند.

محمد علی گیلک در این باره می نویسد: (در این موقع مشاهده مخالفت جنگلیها با متنفذین و مالکین بزرگ به زیر دستان آنان جرئت داد که وقت را مفتنم شمرده و دعاوی سابقه خویشتن را یک باره قطع و فصل نمایند و به این وسیله جزئیات کارهای حضرات تازه وارد را روزانه به وسیله قاصدین مخصوص به جنگلیها خبر داده و ظاهراً با عرض عریضه های متوالی از هیأت اتحاد اسلام دادخواهی می کردند.»^{۱۱} در این هنگام مفاخرالدوله به جای آصف الدوله به حکومت گیلان تعیین شده بود.

بنا به تصمیم هیأت اتحاد اسلام سردار جنگل میرزا کوچک به اتفاق محمد اسماعیل عطا کسمائی با ۴۰ نفر مجاهد مأمور حرکت به لشت نشا شدند تا مخالفان نهضت را دستگیر نمایند، جنگلیها با راهنمایی انقلابیون محلی شبانه به

که یکی از گروههای وابسته به اجتماعيون عاميون رشت بود، مأمور لشت نشا شد تا از مبارزه دهقانان لشت نشا بر علیه مالک آنجا محسن خان حمایت کند. محمد علی گیلک یکی از رهبران نهضت در این باره می نویسد: «میرزا برای تنظیم امور ملیون گاهی پیاده به اطراف رشت مسافرت کرده و با حمایت از مظلومین قریه لشت نشا (یکی از قراء گیلان) که علیه تجاوزات مستبدین قیام کرده بودند، آتش حریت طلبی را در هر کجا که می توانست روشن می نمودند.»^{۱۰}

میرزا با این توصیف با حمایت از مبارزات دهقانان لشت نشا بر علیه خان قدرتمند آنجا پایگاه مردمی در میان روستائیان کسب نموده بود. ظاهراً تجمع مالکین در لشت نشا به خاطر رفع اختلاف ارضی میان امین الضرب (از مالکین عمده گیلان) مالک حسن کیاده (کیا شهر فعلی) و تعیین حدود مرزی حسن کیاده و لشت نشا صورت گرفته بود.

نهضت جنگل از همان آغاز فعالیت خود در میان دهقانان و خرده مالکان لشت نشا پیروانی پیدا نموده بود. از طرفداران سرسخت نهضت در لشت نشا می توان از دو برادر محمد علی مهری و حسن مهری، مشت نجف قلی ناصح، محمد

بصیرالخواقان (نایب‌الحکومه لشت‌نشا) بود، آقای محمد حسن اصفهانی برادر زاده محمد علی امین‌التجار در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۳۵ هجری در گزارشی به حاجی امین‌الضرب مالک حسن کیاده نوشت: شاهزاده بصیرالخواقان [نایب‌الحکومه لشت‌نشا] لخت فرار نمود و معلوم نیست کجا فرار می‌کند...»^{۱۴}

وقتی که سپیده دمید کار جنگ و جدال به پایان رسیده بود، با شنیدن صدای تفنگ، اهالی لشت‌نشا در سر بازار اجتماع کردند، هر لحظه بر انبوه جمعیت افزوده می‌شد، مردم «همینکه از قضیه آگاه شدند، همه از خانه‌های خود بیرون آمدند و در میدان عمومی جمع و وجد و شعفی زایدالوصف نشان دادند. فریاد "زنده‌باد مجاهدین" تمام فضا را پر کرده و جمعیت هلهله‌کنان هر دم به طرف افراد جنگل که در آنوقت هنوز موی سر و صورت خود را اصلاح نکرده و در عین حال به تفنگ و قطارهای فشنگ وضعیت شگفت‌آوری داشتند، نزدیک می‌شدند به طوریکه می‌خواستند، آنها را در آغوش گرفته و به این وسیله اظهار حق‌شناسی و شکرگزاری خویشان را به ثبوت رسانند تا آنکه کوچک خان به زحمت خود را به وسط جمعیت رسانیده و خطابه مختصری برای آنان ایراد نمود و مقاصد هیأت اتحاد اسلام را بیان کرد.»^{۱۵}

امین‌الدوله به اتفاق بقیه دستگیرشدگان به کسما برده شده در مدت اقامت او در کسما فخرالدوله همسر محسن خان برای نجات شوهر دست به اقدامات همه‌جانبه زد و از افراد خوشنام برای رهایی او کمک گرفت، دستگیری مالک لشت‌نشا که از خوانین بزرگ کشور و داماد شاه قاجار بود: «موجب ترسیدن اعیان و اشراف مملکت و عنوان شدن بر ضعف دولت مرکزی شد.»^{۱۶}

حسب امین‌الدوله برای دولت علاءالسلطنه مشکلات زیادی ایجاد کرد، دولت در پی چاره‌جویی برآمد، ظهیرالدوله حکمران سابق گیلان که با میرزا سابقه دوستی داشت، از طرف دولت به گیلان آمد و برای آزادی مالک لشت‌نشا به کسما رفت، حاجی محمد علی داود زاده از بستگان میرزا کوچک نیز به وساطت پرداخت. در شماره سوم روزنامه جنگل به تاریخ جمعه ۲ رمضان ۱۳۳۵ هجری آمده: «فعالاً امین‌الدوله، حاج میرزا محمد رضا و سایر همراهانش و حضرات معروضه فوق بدون زنجیر و کنده و

«سخنی با خوانندگان»

تک تک شهرها و روستاهای گیلان محل عبور میرزا و گروه یاران جنگلی او بوده است. اگر رهبران جنگل از این روستاها عبور نکرده باشند، پای سربازان، چریک‌ها و فدائیان جنگل حتماً به آن‌جاها رسیده است. اگر اینان نیز از آن‌جا نگذشته باشند، پای قزاق‌ها، سربازان اجنبی و مزدوران دشمن به آن‌جاها کشیده است. هیچ یک از این‌ها اگر اتفاق نیفتاده باشد و روستایی در گذر عبور جنگلی‌ها یا دشمنان آن‌ها نبوده باشد حداقل یک روستائی آن چریک جنگل بوده است.

بنابراین روستا روستای گیلان زمین بخشی از حوزه جغرافیایی نهضت جنگل بوده است. حتی شهرها و آبادی‌های استان هم‌جوار مازندران، بخش‌هایی از قزوین، طالقان، اردبیل، خلخال و... نیز قسمتی از جغرافیای نظامی جنگل بوده است. حوادث و اتفاقاتی که در این آبادی‌ها رخ داده هنوز در ذهن خیلی‌ها چه در یاد معمران که خود شاهد صحنه بوده‌اند، چه در خاطر کسانی که از پدران خود شنیده‌اند، وجود دارد. بد یا خوب، درست یا نادرست، زشت یا زیبا، این‌ها باید گفته شود، نوشته شود و به نقد و بررسی کشیده شود.

پیدااست وقایع برخی جایها و قصبات به علت اهمیت خاص تاریخی در صفحات کتب تاریخ معاصر مربوط به نهضت جنگل به تفصیل یا اختصار آمده است و بخش‌هایی نیز گذرا و به اشاره رد شده است. گاهی اصلاً حتی اشاره‌ای هم نشده است و تنها به صورت خاطره‌ای در یاد و ذهن اهالی مانده است.

شرح و بسط اشاره‌ها و ثبت و ضبط خاطره‌ها - در هر دو حال - امری است الزامی و صفحات ویژه نامه‌های جنگل گیله‌وا به روی همه علاقمندان در سرتاسر آبادیهای شمال گشوده است. مقاله «دهقانان، نهضت جنگل و مسئله لشت‌نشا» نوشته هوشنگ عباسی دوست پژوهشگر و تیزبین ما، بعنوان نمونه‌ای از این مقوله می‌تواند الگو و راهگشایی برای دیگر عزیزان پژوهشگر ولایتی در هر روستا و آبادی این کهن سرزمین جاودانه باشد.



امین‌الدوله و بستگان او است به صاحبانش مسترد گردد.»^{۱۸}
ظهیرالدوله در تلگرافی که همان موقع برای وزیر داخله مستشارالدوله فرستاد یادآور شد: «خیال می‌کنم تمام این بازیها برای پول است، لشت‌نشا در تصرف خود جنگلیهاست و متصل از آنجا پول می‌گیرند و بدبخت لشت‌نشاها سرشان بی‌کلاه است و به خیالشان این تفصیلات برای

بدون میرغضب حتی دوستان بان وقت افطار، وقت سحر پای قاب چلو یا علی را بلند و جلی ختم می‌کنند، احوال روحیه آنها اسرای قدیم و جدید بی‌نهایت رضایت بخش است.»^{۱۷}
خرده مالکین لشت‌نشا برای شکایت از حاج میرزا محسن خان به کسما رفته و با ارائه اسناد و مدارک خود بر علیه خان اقامه دعوی نمودند، سرانجام قرار شد، «املاکی که از آنان در تصرف

تیمور گورگین

شبی در جنگلی افتاد یک سر
به خون گرم شد آن سر، شناور
سحر از قطره های خون سردار،
دوباره سبز شد سرهای دیگر!



تومام جنگلانا، خون، دووه
کی، دار
حشمتا نشان داره!

جه شانه سر، اوسان تبر
کی، هر تا شاخه بشکفه
ای دانه جنگلی
- آتورنه
تی نام ره بمرد،
ویریز
کی تی پا صدایا بیشتاوه «انام»
دپرکانه، تورنگانا

۷۳/۸/۳

علی اکبر مرادیان

ادبیات نهضت جنگل

احقاق حق آنهاست، قریب دو هفته است که با حاج میرزا رضا مشغول گفتگو هستیم می خواهد به هفتاد هزار تومان تمام کند که سی هزار تومان فقیر بدهم و باقی را خودشان از لشت نشا بگیرند و گویا بیست هزار تومان گرفته اند، می گویند بعد از گرفتن این پول امین الدوله را رها خواهند کرد...»^{۱۱}

فخرایی نویسنده کتاب سردار جنگل می نویسد: «امین الدوله نمی توانست برای یک مدت طولانی در جنگل بماند، زیرا جنگل استرحتگاه خوانین و نازیبرورده ها نبود، و لذا با پرداخت هفتاد هزار تومان وجه نقد مرخص و آزاد گردید.»^{۱۲} وی بر این عقیده است: «وجه مزبور را جنگلیها به مصرف تهیه ساز و برگ و جیره نفقات و تنظیم امور داخلی رساندند و به حد کفایت تقویت شدند.»^{۱۱}

ظهیرالدوله در تلگرافی که برای مستشارالدوله وزیر داخله فرستاد، یادآوری کرد: «حاجی میرزا رضا نوشته داد و پول را گرفته بود که امین الدوله را بیاورد، جنگلیها خواهش کرده اند که دور روز هم... و آن جا به صحبت لشت نشائیها گوش کنند که بگویند فقط برای پول امین الدوله را نگهداشته بودیم. به نظر کار تمام است، این پول، برای آزادی امین الدوله است، نظم لشت نشائیها باقی است، که باید رسیدگی شود، هنوز معلوم نیست که چه خواهد بود. وقتی امین الدوله به شهر وارد شد، عرض می کنم که چه باید بشود مکرر عرض کرده ام که حواله بفرمائید، حقوقم را از مالیه اینجا بگیرم. جواب نفرمودید، یک پول هم ندارم مبالغی هم مقروضم. صفا علی»^{۱۲}

گروهی از اهالی لشت نشا طی تلگرافی که در آن هنگام برای حشمت الدوله از بزرگان دربار قاجار فرستادند، خواستار این شدند، تا هیئتی پس از بررسی مدارک و اسناد، اراضی خالصه را در اختیار محسن خان قرار دهد و بقیه اراضی را به دهقانان و خرده مالکین باز پس دهد و خواهان تعیین یک حاکم جدید بر حق شدند. در تلگرافی که در تاریخ ۳۱ سرطان ۱۳۳۵ هجری از رشت به تهران فرستادند آمده: از رشت به تهران - توسط حضرت اشرف آقای حشمت الدوله مقام محترم هیئت وزرا عظام - سه کیسه جریده نوبهار، ایران، بامداد روشن.

ترحمأ عرایض ما بیچارگان را به خاکپای اعلی حضرت همایونی ارواحنا فداه را برسانید. بیست

جنگل

ویری، ویری
بیگفته جنگلا تمش
بینیشته کامپوره سرا، گومار
شوروم،
فورده کوت کویه!

جه «ما کلوان وزیدق و آغوزکله»
دوخان دوخان تالشه
بودوش دارید توفنگا،
- نالشه!

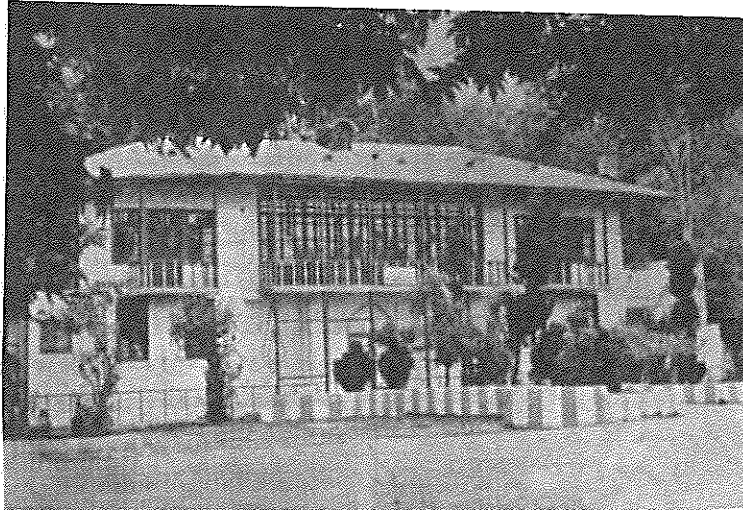
اگه توفنگ گورّه بوشکوفه
روخانه زنگ لوله، ایشکفه
تی ناما بیشتاوه تبر،

جه دوش سرکفه

موافق طومار قبل از دخالت حاج امین الدوله... به خالصه گی عمل می شد، معین داشته به معزی الیه بدهند. بقیه که راجع به دعا گویان است، از یدی تمدی شان خارج به تصرف دعا گویان داده، شنا کر باشیم.

حاج سید قاسم - شعاع نظام - عبدالله خان - عبدالرحیم حاج شیخ محمد تقی - مدیر دیوان.^{۱۳} سرانجام پس از وساطت های مختلف تصمیم

و نه سال است از مظالم طاقت فرسای آقای حاج امین الدوله و گماشتگانش بی جان و مال، متواری از اوطان شده، مگر اوضاع سابق عدالت و حق گزاری را مانع بود. امروز بحمدالله مانع مفقود. استرحام می نمایم. یک نفر حاکم حق... بر اهالی لشت نشا مرحمت و امر فرمائید حضرت اشرف آقای حاج ظهیرالدوله مجلسی از وجوه علما و اعیان تشکیل داده با نمایندگان اعزامی دولتی



عمارت میرزاعلی خان امین الدوله :

بر این گرفته شد، حاج محسن خان هفتاد هزار تومان به جنگلیها بدهد، از مبلغ هفتاد هزار تومان، سی هزار تومان را نقداً پرداخت کرده، چهل هزار تومان بقیه توسط مباشران و کدخدایان از رعایای لشت نشا گرفته شود، به این ترتیب حاج محسن خان از دست جنگلیها رهایی یافت.

غلامعلی بابا از سردهسته‌های متنفذ جنگل ظاهراً برای حفظ امنیت و باطناً برای دریافت چهل هزار تومان بدهی امین الدوله به لشت نشا فرستاده شد تا صفحات لشت نشا و لاهیجان را تحت پوشش امنیتی قرار دهد.

محمد علی داود زاده (از بستگان میرزا کوچک) که در رهایی امین الدوله از دست جنگلیها، همکاریهای لازم را انجام داده بود. از طرف شاهزاده خانم فخرالدوله به مباشرت اراضی لشت نشا منصوب شد.

نویسنده کتاب تاریخ انقلاب جنگل، این باره می‌نویسد: «حاجی محمد علی داود زاد از ثروتمندان رشت و از بستگان مرحوم کوچک خان به مناسبت این بستگی، شاهزاده خانم فخرالدوله املاک خود را در لشت نشا به مباشرت وی واگذار نمود. و در نتیجه این مباشرت نفوذ زیاد پیدا کرد.»^{۲۱}

سالها بعد محمد علی افراشته شاعر مردم‌گرا در منظومه گیلکی مفتخورالاعیان اشاره‌ای به این رویداد دارد:

آ دوزو کلک لشت نشا پا کار کاره
جنگل نیه، خوگ کله به، خوگه گوماره
مرحوم کوچک خان وصی ممد لی زاده
اسمال خان و دسمال خان، دوزه قلی زاده
(این دوز و کلک‌ها، کار پا کار لشت نشاء
[محمد علی داود زاده] است.
جنگل [حزب] نیست، خوگ زار و خار زار
خوگ است.

وصی مرحوم کوچک خان محمد علی داود زاده

اسماعیل خان و دسمال خان [کنایه از اسماعیل خان و قنبرخان چهاردهی که از پیشکاران احمد قوام بودند] دزد قلی زاده»^{۲۵}

دستگیری حاج محسن خان گرچه بارقه‌امیدی در دل دهقانان لشت نشا بوجود آورد و انتظار اصلاحات را در بین آنان رشد داد اما با آزادی محسن خان مشکلات آنها لاینحل باقی ماند و مالک در شکل مباشر جدید حاج داود زاده به لشت نشا برگشت و فریاد دادخواهی

دهقانان به جایی نرسید، اما از فشار گذشته نسبت به دهقانان کاسته شد، و آتش زیر خاکستر هم چنان باقی ماند.

زیر نویس :

۱ - فخرانی، ابراهیم - سردار جنگل - جاویدان، تهران، چاپ هشتم ۱۳۵۸ - ص ۵۷.

۲ - یقینیان، گریگور - شوروی در نهضت جنگل (یادداشت‌های یک شاهد عینی) - بکوشش برزویه دهگان - نونین - تهران - چاپ اول ۱۳۶۳ ص ۹۱

۳ - ابراهامیان، یرواند - مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران - ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی - شیرازه، تهران، چاپ اول ۱۳۷۶ ص ۹۶.

۴ - مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی نهضت جنگل - بهنام کریمی - فصلنامه تحقیقات تاریخی - سال یازدهم - دفتر سوم - پاییز ۱۳۸۰ شماره ۴۳

۵ - مؤمنی، باقر - مسئله ارضی و جنگ طبقاتی در ایران - پیوند تهران ۱۳۵۹ - ص ۹۱

۶ - گیلک، محمد علی - تاریخ انقلاب جنگل (به روایت شاهدان عینی) - گیلکان - رشت ۱۳۷۱ - ص ۵۳.

۷ - سردار جنگل ۸۶ و ۸۷.

۸ - روزنامه جنگل - شماره دوم، کسما - تاریخ بیست و ششم شعبان ۱۳۳۵ هجری - به مدیر مسئولی حسین کسامی ص ۴.

۹ - تاریخ انقلاب جنگل ص ۵۶.

۱۰ - همان مأخذ ص ۹.

۱۱ - همان مأخذ ص ۵۶.

۱۲ - همان مأخذ ص ۵۶.

۱۳ - روزنامه جنگل - شماره دوم یکشنبه بیست و ششم شعبان ۱۳۳۵.

۱۴ - افشار، ایرج - اسناد گرفتاری حاج محسن خان امین الدوله در جنگل - یادگارنامه فخرایی بکوشش رضا رضازاده لنگرودی، نشر نو، تهران ۱۳۶۳ - ص ۳۶۳.

۱۵ - تاریخ انقلاب جنگل ص ۵۷.

۱۶ - اسناد گرفتاری حاج محسن خان... ص ۳۶۱.

۱۷ - روزنامه جنگل، شماره سوم سال اول - سه شنبه ۶ رمضان ۱۳۳۵ هجری ص ۸

۱۸ - تاریخ انقلاب جنگل ص ۵۸.

۱۹ - اسناد گرفتاری حاج محسن خان... ص ۳۷۳.

۲۰ - سردار جنگل ص ۸۷.

۲۱ - همان مأخذ ص ۷۳.

۲۲ - اسناد گرفتاری حاج محسن خان... ص ۳۷۳.

۲۳ - همان مأخذ ص ۳۷۸.

۲۴ - تاریخ انقلاب جنگل ص ۵۸ و ۳۶۵.

۲۵ - راد بازقلعه‌ای (افراشته)، محمد علی - شعرهای گیلکی افراشته - گردآوری و برگردان به فارسی محمود پاینده لنگرودی - گیلکان، رشت ۱۳۷۴ - صفحات ۲۱۴ و ۲۱۸.

میان بعضی از خانواده‌های قدیمی، آلبوم‌های عکسی یافت می‌شود که در برخی از آن‌ها عکس‌های تاریخی جالبی وجود دارد و ممکن است سوژه این عکس‌ها فرد یا افرادی باشند که نقش‌های کوچک و بزرگ در تاریخ معاصر گیلان بویژه نهضت جنگل داشته باشند و چه بسا از این عکس‌ها هنوز در جایی چاپ نشده باشد.

اشرافیت بر موضوعات تاریخی، شناخت کافی به عکس‌هایی که تاکنون در کتابهای تاریخ مشروطه، نهضت جنگل و پس از آن چاپ شده، یکی از راههای تشخیص هویت و اصالت این قبیل عکس‌هاست.

عکسی را که در این صفحه ملاحظه می‌فرمائید یک از هزاران عکس چاپ نشده‌ای است که سوژه آن به گوشه‌ای از تاریخ معاصر گیلان یعنی دوره مشروطیت بویژه نهضت جنگل بر می‌خورد و دوست پژوهشگرمان محمود دهقان که خود ریشه در یکی از این خانواده‌های قدیمی دارد شرحی مجمل و موجز در شرح این عکس نوشته‌اند که طی آن به گوشه‌هایی از نقش سه ملای بانفوذ دوره جنگل آشنا می‌شویم.

از این قبیل عکس‌ها در آلبوم‌های خانوادگی خاندان‌های اصیل و قدیمی گیلان چقدر باشد خوب است!

آرشیو «بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی» بهترین مرکز ضبط و نگهداری این گونه عکس‌ها جهت استفاده فرهنگی پژوهشی به سود تاریخ گیلان و ایران با حفظ حق امانت به نام عزیزانی است که آن‌ها را در اختیار بنیاد می‌گذارند. بدیهی است عکس‌های اهدایی با ذکر نام اهداکننده، شماره و تاریخ، وارد دفتر مخصوص «بنیاد» خواهد شد.

یادداشتی بر یک عکس تاریخی و چاپ نشده

محمود دهقان



بسیار شایق بودم برای ویژه‌نامه جنگل، شرح احوالات و مبارزات روحانی آزاده و روشنفکر مرحوم حاج سید محمود مجتهد (روحانی) را که هم در انقلاب مشروطه و هم در قیام جنگل از مؤثران و مبارزان بود به رشته تحریر درآورم تا خوانندگان دانش‌پژوه، خاصه جوانان گیلانی با یکی از چهره‌های ماندگار و مبارز تاریخ پرفراز و نشیب خود آشنا می‌شدند. متأسفانه فرصتی که در اختیارم گذاشته شد بسیار اندک بود و مجال آن را نیافتم تا به این امر مهم پردازم لهذا برای ثبت در

تاریخ از مجموعه اسناد خانوادگی قطعه عکسی را که تاکنون در جایی چاپ نشده و سه تن از روحانیون صاحب نام گیلانی را می‌نمایند با شرح احوال مختصر و موجز هر یک تقدیم می‌دارم.

عکس به احتمال قریب به یقین مربوط است به اوایل حکومت رضا خان پهلوی، کلاه‌هایی که برخی اشخاص حاضر در عکس بر سر دارند و معروف به کلاه پهلوی بود، مؤید این نظر است. شناخته شدگان عکس، ردیف نشسته از راست به چپ عبارتند از: ۱ - مرحوم حاج سید حسن اشکوری ۲ - مرحوم سید محمد روحانی ۳ - مرحوم حاج سید محمود مجتهد (روحانی) ۴ - مرحوم حاج شیخ اسدالله رضا.

■ حاج سید حسن اشکوری، فرزند آیت‌الله سید ابوالقاسم اشکوری بود که از مراجع تقلید و دارای تألیفات بسیار در فقه و اصول و نیز صاحب شرحی معروف بر مکاسب مرحوم شیخ مرتضی انصاری است. حاج سید حسن اشکوری از علمای برجسته‌ی گیلان بود و افزون بر دانش علوم دینی در ادبیات و شعر نیز سخن‌دان و سخنور بود.

آن مرحوم پس از بهره‌بردن از محضر درس پدر در حوزه‌های درس میرزای رشتی، آخوند ملا کاظم خراسانی و سید محمد کاظم طباطبایی یزدی حضور یافت و به علم‌اندوزی پرداخت. وی پس از دریافت اجازه اجتهاد به تدریس مشغول گردید. حاج سید حسن اشکوری که مردی روشن ضمیر و آزادی‌خواه بود در انقلاب مشروطه پیرو نظرات آخوند خراسانی گردید و در ترویج و اشاعه آرا و تفکرات او تلاش نمود. وی مدتی در تهران به تدریس علوم دینی پرداخت و سپس به زادگاه خود گیلان آمد و چندی در دادگستری به امر قضا پرداخت.

مرحوم اشکوری به سال ۱۳۲۰ شمسی که رشت مورد تجاوز قوای روسیه قرار گرفت ریاست «جمعیت خرده مالکان» را بر عهده

گرفت و به مبارزه پرداخت. از آن مرحوم تألیفاتی به جای مانده است که تنها یک اثر منظوم در مرثیاتی خاندان پیامبر به چاپ رسیده است.

■ حاج سید محمود مجتهد، معروف به رشتی و مشتهر به روحانی، فرزند حاج سید محمد، متولد ۱۲۵۵ ه. ق، از اجله‌ای علمای گیلان در عصر مشروطه و جنگل بود، وی از شاگردان معتبر و مورد علاقه‌ی میرزا حبیب‌الله رشتی بود که پس از پایان تحصیلات و دریافت اجازه اجتهاد به زادگاهش رشت مراجعه و به کار تدریس علوم دینی پرداخت. اغلب بزرگان گیلانی در سطح از شاگردان وی بودند و تا زمان حیاتش مقدم بر تمام علمای گیلان بود.

حاج سید محمود مجتهد در انقلاب مشروطه با آزادی‌خواهان هم‌فکری و هم‌قدمی داشت و مدتی هم عضو و منشی انجمن ایالتی گیلان بود اما تا زمانی که پدر همسرش، ملای متنفذ و مستبد حاجی خممامی زنده بود تحت‌تأثیر او و نفوذ او قرار داشت.

هنگامی که میرزا کوچک خان جنگلی برای سازمان دادن نهضت جنگل به رشت وارد شد، از اولین کسانی که مورد شور و مشورت وی قرار گرفتند یکی هم مرحوم حاج سید محمود مجتهد بود و هم او بود که اجازه‌ی اقامت میرزا را در گیلان از سفیر روس دریافت نمود. با تشکیل هیأت اتحاد اسلام به عضویت و ریاست هیأت مزبور درآمد و همکاری تنگاتنگی با نهضت جنگل داشت.

مرحوم حاج سید محمود مجتهد در گیلان از مقبولیت عامی برخوردار بود به گونه‌یی که مرجعی برای حل و فصل دعاوی و مشکلات مردم بود. وی مدت کوتاهی ریاست دادگستری گیلان را عهده‌دار گردید و نیز از سوی مردم به نمایندگی مجلس مؤسسان و مجلس شورای ملی انتخاب شد.

حاج سید محمود مجتهد در اواخر عمر برای زیارت عتبات عالیه عازم نجف اشرف می‌شود و در بدو ورود مورد استقبال و پذیرائی سید جلیل‌القدر سید ابوالحسن اصفهانی قرار می‌گیرد و به نیکی از او تجلیل می‌شود. وی هنگام عزیمت به رشت در قزوین وفات می‌یابد - ۱۳۲۳ ه. ق - و در مقبره‌ی قوام‌الاسلام امانتاً دفن و پس از مدتی جنازه وی را با اکرام و تجلیل فراوان در نجف اشرف دفن می‌نمایند.

مرحوم حاج سید محمود مجتهد از مؤسسين کتابخانه‌ی ملی رشت و اولین رئیس هیأت امنای آن بود. از وی کتابی در مورد مالک و زارع بنام

«تسويد حقوق» به جا ماند که نسخه‌ی خطی آن در کتابخانه ملی رشت موجود است.

حاج سید محمود روحانی با دختر حاجی خممامی ملای متنفذ و مستبد گیلان به نام حجت‌الحاجیه ازدواج می‌نماید که ثمره‌ی این وصلت، یک پسر بنام سید محمد و دو دختر بنام‌های فخرالحاجیه و افسرالحاجیه بود.

مرحومه فخرالحاجیه با آقا شیخ اسدالله رضا ازدواج می‌نماید که ثمره‌ی آن یک پسر بنام عنایت‌الله رضا - که حالیه استاد دانشگاه هستند و از محققین به نام ایرانشناس و دارای تألیفات عدیده - و دو دختر به نام‌های سرور و گیتی رضا. مرحومه افسرالحاجیه نیز همسر ابراهیم آقا رفیع - از نوادگان حاج محمد ابراهیم (حاج مجتهد) ازدواج می‌نماید که ثمره آن یک اولاد پسر بنام عطاالله است که او نیز بلا ولد ماند.

حاج سید محمود مجتهد با یک خانم اهل اصفهان نیز ازدواج می‌نماید که ثمره آن یک اولاد پسر بنام علی محمد بود که وارد ارتش شد و تا سپهبدی ارتقای مقام یافت و هنگام انقلاب سال ۱۳۵۷ به خارج از کشور رفت.

همسر آخر حاج سید محمود مجتهد نیز مرحومه عزت خانم شکوهی نام داشت که ثمره این وصلت نیز دو دختر بود بنام‌های سرورالسادات که با مرحوم سیاوش دهقان ازدواج نمود و مرحومه سیده منصوره.

■ آقا شیخ اسدالله رضا. فرزند حاج آقا رضا مجتهد گیلانی، که از علمای صاحب نفوذ و ثروتمند گیلان بود. آقا شیخ اسدالله مردی بود سلیم‌النفس و مبادی آداب و کتبه به کار سیاست و منازعات روزگار خویش وارد می‌شد. بر عکس وی برادرش شیخ محمود که سیاستمداری مدبر و میرز بود و با جنگلیان همکاری داشت و کمیتر قضایی نهضت جنگل شد و روزنامه‌ی معروف طلوع را نشر داد که به سبب شهرت و آوازه آن به محمود طلوع مشهور گردید.

آقا شیخ اسدالله با خواهر امیرمقتدر طالش - ضرغام‌السلطنه - ازدواج می‌نماید که ثمره‌ی آن دو اولاد پسر به نام‌های احمد و فضل‌الله بودند، فضل‌الله رضا در علوم ریاضی صاحب نظر بوده و معروفیت جهانی یافت و مدتی هم رئیس دانشگاه تهران گردید و تألیفات فراوانی دارد.

آقا شیخ اسدالله با دختر حاج سید محمود مجتهد نیز ازدواج نمود که شرح آن پیش‌تر آمد.

■ با استفاده از کتابهای: ۱- تاریخ علما و شعرای گیلان. حسن شمس لاهیجی ۲- گیلان در گذرگاه زمان - ابراهیم فخرایی ۳- سردار جنگل - ابراهیم فخرایی ۴- گیلان در جنبش مشروطیت - ابراهیم فخرایی ۵- نامها و نامداران گیلان - جهانگیر سرتیپ‌پور

چهارم دی ماه امسال طی مراسمی ساده اما صمیمی اعضای شورای اسلامی شهر رشت و شهردار و گروهی از شاعران، نویسندگان، محققان و هنرمندان و طیفی از مردم شهر رشت در فلکه کوچکی که جلوی بانک ملی (شعبه مرکزی) رشت قرار دارد جمع آمدند و از تندیس دکتر حشمت جنگلی پرده برداشتند. فلکه مزبور نیز به نام میدان دکتر حشمت جنگلی نامگذاری شد. اینک تندیس دکتر حشمت در محلی برپا شده است که سمت شرق آن (قرق کارگزار سابق، اداره کل ثبت اسناد فعلی) محل اعدام و سمت غرب آن (محل چله‌خانه) آرامگاه ابدی او قرار دارد.

گفتنی است در این مراسم کوتاه، خودمانی و در عین حال به یادماندنی که با تلاوت آیاتی از قرآن مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، آقای جعفر خمami زاده از پیشکسوتان پژوهش‌های گیلان‌شناسی سخنانی در مورد مرحوم دکتر حشمت و شرح مبارزات و خدمات او ایراد کرد. آنگاه فریدون پوررضا هنرمند توانمند موسیقی گیلان‌گوشه‌ای از یک تصنیف حماسی رابه زبان گیلکی ترنم کرد بعد از مجسمه پرده برداشته شد و در میان کف زدن‌ها و ابراز احساسات حاضرین تندیس دکتر حشمت جنگلی خود را به عموم شهروندان رشتی و گیلانی نمایاند.

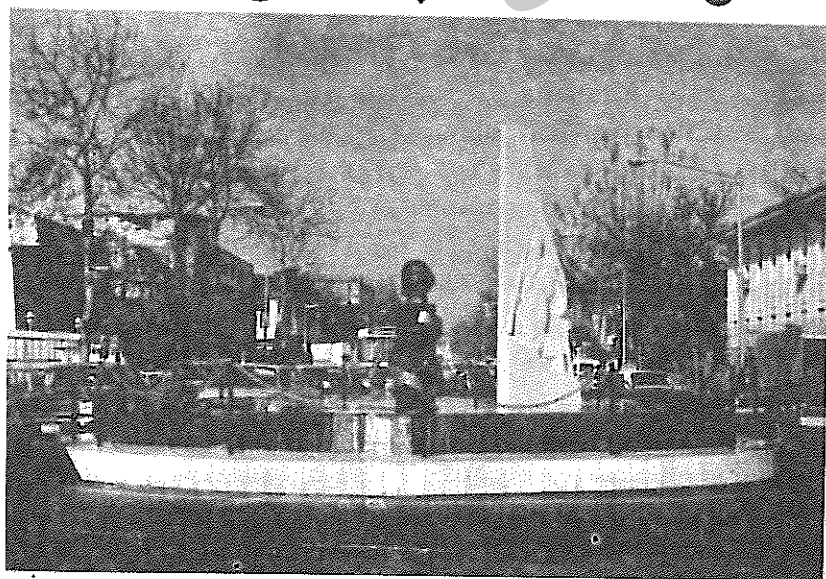
حاضران در مراسم آنگاه پیاده تا سرگور دکتر حشمت که در فاصله ۲۰۰ متری آن قرار دارد رفتند و بر مزارش فاتحه‌ای خواندند. آرامگاه دکتر حشمت که در محله چله‌خانه و در جوار مسجد آن قرار دارد خود در شرایطی است که همت مسئولان را می‌طلبد.

بدیهی است حرکت زیبا و پیگیرانه شورای اسلامی شهر رشت که نتیجه ساعت‌ها رای‌زنی و هم‌اندیشی اعضای کمیسیون فرهنگی اجتماعی آن بوده است و خلاقیت هنری مجسمه ساز جوانی که شهروند همین شهر است، برای سال‌های سال در یاد و خاطره این مردم خواهد ماند.

اینک تندیس دکتر حشمت بیش از یک ماه است که در معرض دید شهروندان پیاده و سواره قرار دارد و طبیعی است که نظرات گوناگونی را برتافته است. اما از آن جایی که پس از نصب تندیس نظرات مخالفی نیز در برخی جراید عنوان شد که ممکن است بعضی توهمات را ایجاد کرده باشد که بدون پاسخ بماند، از سازنده تندیس خواسته شد تا در توجیه طرح خود آن چه گفتنی است بگوید.

آن چه در زیر می‌خوانید عین نوشته محمود پورنصری‌نژاد سازنده تندیس است در توجیه و تحلیل کاری که ارائه داده است. با هم می‌خوانیم:

تندیس دکتر حشمت جنگلی



تندیس دکتر حشمت از جنس برنز در ابعادی حدود دو برابر اندازه طبیعی ساخته شده است. این تندیس بر روی پایه‌ای از جنس سنگ گرانیت سیاه قرار دارد. در جوار این تندیس دیواره‌ای از جنس بتن مسلح با ارتفاع ۳۵۰ سانتی متر برپا داشته شده که در یک طرف آن اسم دکتر حشمت به زبان فارسی و انگلیسی به صورت برجسته نوشته شده است.

در طرف دیگر این دیوار نقش برجسته‌ای از یک رزمنده نهضت جنگل به طور تمثیلی قرار دارد. استفاده از این نقش برجسته به نوعی معرف شخصیت مبارز دکتر حشمت که متعلق به مجموعه‌ای از مبارزین این نهضت بوده می‌باشد. فرم نامنظم یک ضلع دیواره در عین حال با فرم کلی موی تندیس ترکیب بندی منسجمی دارد. ضلع دیگر دیواره که صاف و عمودی است با فرم عمودی و ایستای پایه مجسمه از نظر خطوط با هم موازی هستند و همچنین با شانه راست نیم‌تنه که برش خورده است، هماهنگ می‌باشد.

بیننده برای چرخش به دور مجموعه است. خود این حلقه با حلقه‌های دایره‌ای که با سنگ سفید در کف میدان و زنجیرهای دور میدان و کلیت فضای میدان که دایره شکل است هماهنگی ایجاد کرده است.

نوار مسی که به دور پایه نیم‌تنه چرخیده است با الهام از علامت کادوس (که آرمی شناخته شده در پزشکی است) فراموش نشود دکتر حشمت صاحب تندیس پزشک بوده است) استفاده و آنالیز شده است که البته برای زیبایی مجموعه و در عین حال چرخش و هدایت چشم

به پاس احترام و بزرگداشت و یاد دکتر
حشمت و پرده برداری از تندیس او در این روز،
یکی از شاعران گیلانی «م. نصر» شعر بلندی به
عنوان یادمان سروده بود که به علت طولانی
بودن، تنها سه بند آخر آن در این جا نقل می شود.

ای یگه سوار جنگ و جنگل بدرود
حقت به نامت بسراثیم سرود
در نهضت جنگل کرم نادر بود
تاریخ زمان به کردهات ناظر بود
ای آیت استوار مجد و عظمت

#

تندیس تو هر چند به لب خاموش است
مانند نگین به شهر در آغوش است
تنها سر رزم جوی تو تا دوش است
گوئی ز حوادث زمان مدهوش است
اما غم بیشمار دارد نگاهت

#

امروز به احترام همه گرد آمده اند
پر شور به یادمان تو دل شده اند
از کار شهیدگونه ات غم زده اند
مُهر افتخار را به نامت زده اند
ای حشمت راستین، خدایت رحمت



این فلکه میدان گفته می شود (بسیار کوچک بوده و همچنین ارتفاع ساختمانها که عناصر معماری محسوب می شوند نیز مرتفع نبوده پس لزوم نصب در ارتفاع بالاتر و یا مجسمه بزرگتر غیر ممکن بود، زیرا مجسمه با تمام عناصر موجود در اطراف باید مرتبط می شد و معنا می گرفت در غیر این صورت لزوم نصب آن در این میدان توجیهی نداشت. باید فضایی هماهنگ ایجاد شود تا ارزش عناصر فضایی دیگر نیز در اطراف میدان حفظ شده و مجسمه در این مجموعه وصله ای جدا محسوب نگردد.

هزینه ای که برای ساخت این مجسمه و بازسازی فضای محدود اطراف آن صرف شد - با توجه به استطاعت مالی شهرداری برای این پروژه - حدود چهار میلیون و هفتصد هزار تومان است، که طبعاً با اختصاص بودجه ای بیشتر امکان طراحی و ساخت مجسمه ای با فرم و فضایی متفاوت و بهتر امکان پذیر است.

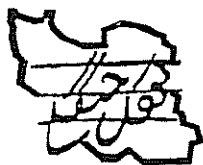
این نکته را نیز یادآور می شوم که در ساخت این مجسمه و یادمان با توجه به محدودیت مالی و محدودیت فضای میدان سعی شده در عین ارج گذاشتن به این شخصیت تاریخی که در جوار این مکان اعدام شد و در نزدیک همان محل دفن شده است، مجموعه ای زیبا، شکیل و شایسته فضای شهری معاصر ایجاد گردد.

محمود پورنصری نژاد

معمولاً در تندیس ها اسم شخصیت مورد نظر را بر روی پایه نصب می کنند که در این مجموعه سنت شکنی شده و در پس زمینه تندیس در ارتفاعی مناسب به نحوی که به راحتی قابل خواندن هست به صورت برجسته روی دیواره نوشته شده است.

در مورد زاویه نصب با توجه به تمام زوایای دید از اطراف میدان (و ارتفاع دید راننده و عابر پیاده) برای دید مناسب و همچنین با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی کوهها و جنگلهای فونمانت (غرب گیلان) که پایگاه نهضت جنگل بود و همچنین با توجه به روایتی که حاکیست در لحظه اعدام مرحوم دکتر حشمت، ایشان لحظاتی با نگاهی نگران به همان سمت خیره بود، که در نصب تندیس نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته و در چهره مجسمه نیز منعکس گردیده است. همچنین زاویه دید مجسمه به سمت خیابان ورودی آرامگاهش است. این نکته نیز در مورد زاویه نصب مورد توجه قرار گرفته که مجسمه به نحوی قرار گیرد تا از هیچ سمتی به مسیر اصلی تردد در خیابان پشت نکرده و در مسیر اصلی خیابان از دو طرف نیم رخ مشاهده می شود که در حرکت به دور مجموعه کامل تر می گردد.

بیننده در اطراف میدان در هر نقطه قرار بگیرد فرمهای بصری برای دید (با توجه به پس زمینه) کامل هستند و نقش برجسته نیز به این مسئله کمک کرده است. در مورد اندازه، سایز و ارتفاع نصب مجسمه این نکته را باید در نظر داشت که این میدان (البته میدان از نظر معماری و علمی تعریف دیگری دارد و اصطلاحاً و به غلط به



بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی

این جانب	نام خانوادگی	شغل
نام		
نشانی		
تلفن		

بخطرات علاقه و میل باطنی و نزدیکی با اهداف بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی، آمادگی خود را جهت همه گونه کمک به آن بنیاد در موارد زیر اعلام می دارم .

<input type="checkbox"/> کمک فرهنگی	<input type="checkbox"/> کمک پژوهشی
<input type="checkbox"/> کمک هنری	<input type="checkbox"/> کمک مالی
<input type="checkbox"/> کمک تبلیغاتی	<input type="checkbox"/> کمک اجرایی

محل امضاء

- * منظور از کمک های فرهنگی و پژوهشی همکاری در زمینه گردآوری اسناد و مدارک، تهیه و تدوین، نقد و بررسی، ترجمه و چاپ آن ها می باشد.
- * مراد از همکاری های هنری در زمینه بهره گیری از هنرهای تجسمی، نمایشی و موسیقی و امثال آن در جهت به ثمر رساندن اهداف بنیاد است .
- * کمک مالی برای تقویت بنیه مالی بنیاد جهت پیشبرد اهداف عالی و اصلی آن است که به صورت وجه نقدی یا چک درازای دریافت رسید از بنیاد خواهد بود. کمک ها می تواند بلاعوض یا تحت شرایطی به صورت قرض الحسنه باشد.
- * کمک های تبلیغاتی و اجرایی جهت کاستن فشار کارهای جانبی از دوش بنیاد است تا اعضای آن بتوانند بیشتر در خدمت مسایل فرهنگی و پژوهشی باشند.

حساب جاری «بنیاد پژوهشی فرهنگی میرزا کوچک جنگلی»

شماره ۱۵۱۵۵۸ - بانک ملت - شعبه امام خمینی رشت

رشت - ابتدای خیابان سعدی - روبروی مجتمع فرهنگی هنری خاتم الانبیاء - کتابفروشی فرهنگ

صندوق پستی (رشت ۳۶۷۸-۴۱۶۳۵) تلفن ۲۲۲۷۱۹۲

نورہ تجلیہ شدہ و کامل گیاہیہ با مضامین لوکس و زکویہ

سال اول	۳۰۰۰ - تومان
سال دوم	۲۵۰۰ - تومان
سال سوم	۲۲۰۰ - تومان
سال چهارم	۲۲۰۰ - تومان
سال پنجم	۲۲۰۰ - تومان
سال ششم	۲۵۰۰ - تومان
سال هفتم	۲۵۰۰ - تومان
سال هشتم	۳۰۰۰ - تومان
سال نهم	۳۰۰۰ - تومان

ب۔ بعد از ۹ سال با تخفیف ۲۰٪

علاقتمندان شهرستانی می توانند وجه لازم را به حساب جاری

۸۸۸ بانک صادرات شعبه ۲۹۰۸ بادی الله رشت به نام گیلہ و اواریز و اصل فیش آن را به نشانی

(رشت : صندوق پستی ۴۱۷۴ - ۴۱۶۳۵ گیلہ و او) ارسال نمایند.